

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

واکاوی حقوقی دام ها و تله های پلیسی در کشف جرایم اقتصادی

محمد پیرانی^۱، اصغر عباسی^۲، علی قربانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: جرایم اقتصادی از جمله عمده ترین مباحث دنیای ما بوده که در بستر زندگی امروز به واسطه ی سوء استفاده از هوش و استعداد ارتکاب می یابند. در این جرایم که حيله گری و پنهان کاری نقشی بسزا داشته، اصولاً کشف جرم، امری بسیار سخت و خطیر بوده از این رو استفاده از دام ها و تله های پلیسی خواهد توانست یک راه مهم، برای کشف این دسته از جرایم می باشد. اما عدم شناخت دام ها و تله ها می تواند موجب هدر رفت منابع اعمال قانون شده و اقتصاد عملیات های مخفی را با شکست مواجه نماید. مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که مهم ترین دام ها و تله های پلیسی در جرایم اقتصادی چیست و این دام ها و تله ها چگونه می توانند موجبات عدم هدر رفت بودجه این گونه عملیات های مخفی را فراهم نمایند.

روش شناسی: این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه ای و فیش برداری به بررسی و تحلیل سوال سؤال فوق الذکر پرداخته است.

یافته ها و نتایج: این مقاله ضمن تبیین انواع دام ها و تله های در دو جرم اقتصادی پولشویی و رشوه می تواند از یک طرف هدایتگر پلیس، طراحان و گردانندگان عملیات های مخفی در پیاده سازی یک عملیات مخفی دام گسترده باشد به گونه ای که موجب عدم هدر رفت منابع اعمال قانون گردد و از طرف دیگر موجبات اعتماد هر چه بیشتر مردم به پلیس و دستگاه قضایی را فراهم نماید.

واژگان کلیدی: دام ها، تله ها، عملیات مخفی نیش، کشف جرم، جرایم اقتصادی

^۱ گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

Dr.jahangirfard@gmail.com

^۳ روه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

یکی از عوامل تعداد کم تعقیب و گریز در جرم پولشویی، این است که شواهد ناکافی بوده است (Nazri, Zolkafilil, Omar, 2019:204). در جرایم اقتصادی مانند ارتشاء و فساد شغلی، چون هر دو سود می برند و هر دو مسئولیت کیفری دارند، بنابراین احتمال گزارش جرم از سوی هیچ یک وجود ندارد (کاترین الیت، فرانسیس کوئین، ۱۳۹۳: ۳۸). همین عامل می تواند به نوعی توجیه کننده ی بکارگیری تله ها در جرایم اقتصادی باشد. از نگاه دادگاه ها، افشای هویت تبهکاران و شناسایی مجرمین، مهم ترین و اساسی ترین توجیه برای اجرای هر عملیات نیش است. متن کلیدی زیر از بخشی از نخستین تصمیم دادگاه عالی ایالات متحده امریکا در مورد یکی از پرونده های دام گستری گرفته شده است: حلیه و نیرنگ برای به دام انداختن آن هایی که خود را درگیر اعمال تبهکارانه کرده اند واجب و لازم است. هدف اصلی از انجام این فعالیت مجاز که همواره جزئی اساسی از فرآیند اعمال قانون بوده، بر ملا کردن طرح های مجرمانه است و نتیجتاً پرده برداشتن از قانون شکنان بالقوه. این هدف – "بر ملا کردن طرح های مجرمانه"^۴ – درون مایه اصلی قوانین عرفی در قلمرو عملیات های نیش است. "کارکرد مامورین اعمال قانون تحقیق درباره جرم است، نه برانگیختن آن؛ کشف جرم است، نه ترویج آن." یا این اظهار نظر قاضی پُزرنر^۵ در پرونده ای که در آن تعدادی از مامورین مخفی به یک آتش افروز کمک می کنند برای ارتکاب جرمش آماده شود و سپس درست پیش از آن که اقدام به آتش زدن ساختمان کند او را بازداشت می کنند: "به دام انداختن آتش افروزان کاری بس دشوار است، لذا اگر پلیس کاری کند که بتوان یک آتش افروز را آسان تر دستگیر نمود – نه این که کسی را به آتش افروزی ترغیب کند – باید گفت در چنین موردی منابع اعمال قانون به درستی هزینه شده. در جرایم اقتصادی نیز چنین است به دام انداختن یک پولشو کاری دشوار است لذا اگر پلیس بتواند یک پولشو را آسان تر دستگیر کند نه اینکه او را به پولشویی ترغیب نماید این باعث خواهد شد که منابع قانون به درستی هزینه شوند. اهداف مورد نظر در عملیات نیش و تله گذاری، می توانند شامل افراد قانون شکن یا قانون شکنان بالقوه باشند. در بسیاری از عملیات های نیش، هدف از انجام عملیات، ردگیری یا حصول مدارک کافی علیه مجرمین فعال است. به عنوان مثال، ممکن است چند مامور مخفی یک بانک فعال در خصوص تطهیر درآمدهای نامشروع را راه اندازی کنند تا ببینند تبهکارانی که اخیراً مظنون به تطهیر درآمدهای نامشروع هستند به سراغ آن ها نیز خواهند آمد یا خیر. در بسیاری دیگر از عملیات های نیش، هدف مجرمین بالقوه هستند، یعنی افرادی که ممکن است در گذشته مرتکب جرم شده باشند یا نشده باشند، اما احتمالاً در آینده دست به ارتکاب عملی مجرمانه خواهند زد. مامور پلیسی را در نظر بگیرید که وانمود می کند دارای تشکیلاتی غیر قانونی بوده که نیازمند تطهیر درآمدهای نامشروع است. هدف این مامور به دام انداختن افرادی است که متمایل به کمک به او هستند صرف نظر از این که این رفتار آن ها مسبوق به سابقه بوده باشد یا خیر. بدین ترتیب عملیاتی تبهکارانه بدون هر گونه مداخله ی پلیس یک فرصت مجرمانه واقعی تلقی می شود و فرصتی مجرمانه که به دست پلیس زمینه سازی شده باشد یک فرصت مجرمانه غیر واقعی به حساب خواهد آمد.

بدین ترتیب عملیات های مخفی نیش در حوزه پول شویی معمولاً سه هدف را دنبال می کنند. نخست، در این گونه عملیات ها مدارک کافی برای تعقیب و محکومیت پولشویان تحصیل شده که از این طریق می توان این افراد را از چرخه فعالیت های جنایی خارج کرد. دوم، عملیات های نیش می توانند شهروندانی را که ممکن است مقاصد فریب کارانه یا نادرستی در سر داشته باشند، با ترس از این که

^۴ reveal the criminal design

^۵ Posner

^۶ Active criminals

احتمال دارد طعمه عملیات نیش شوند، از انجام تراکنش های مالی با مبالغ شبهه دار باز دارند. برای نمونه، یکی از اثرات ترس از وجود عملیات های نیش در حوزه پول شویی در ایالات متحده این است که آن دسته از وکلایی که در نبود چنین ترسی ممکن است به فعالیت های نامشروع روی بیاورند، با ترس از این مساله خود را مقید به رعایت چارچوب های قانونی دانسته اند. سوم این که، این دست عملیات ها در کاهش تمایل گروه های جنایی سازمان یافته برای استفاده از خدمات شرکت های پول شویی تاثیر گذار بوده، و نتیجتاً این گروه ها را وادار خواهند کرد تا مقادیر زیادی پول نقد را با خود جابجا کرده که همین مساله نیز شناسایی آن ها را برای مامورین اعمال قانون آسان تر خواهد کرد. لامثلاً برای پولشویی در آمد حاصل از مواد مخدر از بازارهای غیر قانونی مواد مخدر ایالات متحده و مکزیك، پول باید از مرز عبور کند تا به شرکت پولشویی تحویل داده شود. (Ferragut, 2015:14) در جرم اقتصادی رشوه نیز به نوعی همین اهداف از عملیات های مخفی دنبال می شود. تحصیل دلیل علیه پولشو، ایجاد ترس در میان مجرمین بالقوه و کاهش تمایل گروه های سازمان یافته در اخذ رشوه، از عمده ترین اهداف عملیات های مخفی در حوزه جرم اقتصادی رشوه است.

۱. مفهوم دام گستری و جرایم اقتصادی

۱.۱ مفهوم دام گستری

عملیات دام گستری به معنای پهن کردن دام توسط مقامات قضایی برای ارتکاب یا تحصیل دلیل علیه اشخاص است که مورد نظر آنان هستند. این روش بیشتر در مورد مظنونان و تکرار کنندگان جرمی بکار می رود که به علت فقد ادله مناسب در جهت محکوم نمودن، امکان تعقیب کیفی آنان وجود ندارد و مامورین اجرای قانون با توسل به این عملیات، در صدد کشف یا اثبات جرم ارتكابی آنان هستند (حسینی و موذن زادگان، ۱۳۹۳:۷) چنان چه مامور مخفی، در تلاش برای جمع آوری مدارک، از مجموعه ای از حدود حقوقی فراتر رفته و چهار شرط اساسی را احراز نماید، می توانیم بگوییم که دام گستری رخ داده است؛ این چهار شرط عبارتند از: (الف) گمان معقولی دال بر زمینه چینی فرد برای ارتکاب جرم یا مشارکت وی در جرم وجود ندارد؛ (ب) فعالیت مامورین پلیس یا همکاران آن ها بدون در اختیار داشتن مجوزهای قانونی لازم صورت گرفته باشد؛ (پ) مامورین دولت صرفاً در نقش ناظرین منفعل ظاهر نشده، بلکه در عوض چیزی بیش از فرصت ارتکاب جرم را در اختیار مظنون قرار داده باشند؛ (ت) زنجیره ای از علت ها و معلول ها میان رفتار مامور دولت و جرم ارتكابی وجود داشته باشد (Roibu, 2014:100) با این چهار شرط، دام گستری و تله گذاری نامشروع محقق خواهد شد در هر عملیات مخفی، مامورین مخفی یا مخبرین وظیفه دارند تا با نفوذ در بطن یک تشکیلات جنایی، مجرمین را در هنگام ارتکاب به جرم مشاهده کنند. در نتیجه، پلیس مخفی به عنوان یکی از روش های اعمال قانون، به گونه ای طرح ریزی شده تا با تولید و تهیه شواهد مرتبط، امکان به کارگیری آن ها در یک محاکمه کیفی را فراهم آورد؛ اما علاوه بر این، آن چه از یک عملیات مخفی حاصل می شود می تواند اطلاعاتی در خصوص گروه بندی های سیاسی و مذهبی و تهدید علیه امنیت ملی را نیز در اختیار ما بگذارد. (Ross, 2008:240)

۲.۱ مفهوم جرایم اقتصادی

در سراسر گیتی مقررات گسترده ای در باب جرایم اقتصادی به چشم می خورد به عنوان مثال در اردن به موجب ماده ۳ قانون جرایم اقتصادی مصوب ۱۹۹۳، جرم اقتصادی جرمی است که احکام قانون مزبور در مورد آن ها اعمال می شود یا هر جرمی که در سایر قوانین تصریح شده، جرم اقتصادی خواهد بود. به موجب این قانون هر جرمی که موجب ایراد ضرر به مرکز اقتصادی مملکت یا اعتماد

عمومی به اقتصاد یا کارگزاران دولتی یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار متداول یا مرتبط با اموال عمومی شود، جرم اقتصادی محسوب می شود. از این رو، همانطور که مشاهده می شود، در این قانون معیاری دو گانه برای تشخیص جرایم اقتصادی پیش بینی شده است که عبارتند از: تعریف به مصداق و تعریف به ضابطه. (بهره مند، ۱۳۹۷: ۵۹) قانون کیفری آلمان میان جرائم اقتصادی نظیر "دزدی و اختلاس"، "سرقت و اخاذی"، "پنهان کردن مجرمین و اموال به دست آمده از راه های نامشروع"، "کلاهبرداری و خیانت در امانت با قصد مجرمانه"، "جعل اسناد"، "جرائم مرتبط با ورشکستگی"، "اعمال مجرمانه ی از روی خودخواهی"، "خسارت به اموال"، "اعمال مجرمانه ی خطرناک برای امنیت جامعه"، "جرائم زیست محیطی"، و "جرائم مقامات عمومی"، تمیز می دهد (Belousova, 2016: 789). در آفریقای جنوبی مواردی چون کلاهبرداری، فساد و عواقب احتمالی ناشی از جرایم مالیاتی به عنوان جرایم اقتصادی شناخته شده اند. (Swanepoel and Meiring, 2018: 460) در ماده ۱۵۰ قانون جزای مصر مصوب ۱۹۶۵ جرم اقتصادی عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که علیه قواعد وضع شده برای تنظیم یا حمایت از سیاست اقتصادی دولت، صورت گیرد و این قانون یا قوانین مخصوص آن ها را جرم دانسته باشند. براین اساس موضوع جرائم اقتصادی در حقوق مصر اموال عمومی و سیاست اقتصادی و اقتصاد ملی است و اینکه این جرایم باید قابلیت لطمه زدن به سیاست اقتصادی و برنامه های کلان اقتصادی را دارا باشد. (زراعت، ۱۳۹۵: ۵) جرایم اقتصادی به آن دسته از جرایم گفته می شود که اغلب در ارتباط با فعالیت های اقتصادی مشروع و عمدتاً توسط مرتکبانی که از احترام قابل توجهی برخوردار هستند انجام می شود (Saddiq and Bakar, 2019: 911) مطالعات نشان می دهد که این جرایم، علی رغم اقدامات سخت گیرانه ای که در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اعمال شده، همچنان در حال افزایش است (Saddiq and Bakar, 2019: 910) آثار و پیامدهای این گونه جرایم، علاوه بر بزه دیدگان مستقیم، گریبان گیر بزه دیدگان غیر مستقیم نیز می شود بنابراین باید گفت که جرایم اقتصادی موجب اختلال و بی ثباتی اقتصادی می شود، مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمد های قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه های تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند را از صحنه رقابت خارج می کنند (میر سعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۹) اما در این پژوهش تاکید اصلی بر دو جرم اقتصادی یعنی رشوه و پولشویی است. که در معنای اخص آن، همان ارتشاء به عنوان یکی از مصداق های جرایم اقتصادی است البته رشاء به تنهایی نمی تواند اخلاقی در روابط اقتصادی ایجاد کند، زیرا صرف دادن وجه یا هر چیز دیگری که مصداق مال الرشاء باشد هیچ تهدیدی برای امنیت و روابط اداری و اقتصادی ایجاد نمی کند با این حال، نقش وابستگی رشاء به که پیوند واقعی با ارتشاء دارد، قابل انکار نیست، زیرا رشاء جرمی است که با ارتشاء ملازمه دارد و در واقع این دو جرم به هم وابسته اند چون اگر جرم رشاء نباشد به تبع آن ارتشایی هم نیست یا به سخن دیگر اگر کارمند دولت رشوه نگیرد و مرتشی نشود، جرم رشاء نیز در کار نخواهد بود پس این دو جرم با یکدیگر همپایه و هم پوشانی دارند. بنابراین رشاء هم می تواند از مصداق جرم اقتصادی به شمار آید. (ولیدی، ۱۳۹۳: ۳۳۶) پولشویی نیز فرآیندی است که به موجب آن فرد عالماً و به قصد رهایی از عواقب رفتار مجرمانه، منبع اصلی

⁸ Theft and Embezzlement

⁹ Robbery and Extortion

¹ Harboring of Criminals and Property Obtained by Criminal Means

¹ Fraud and Criminal Breach of Trust

¹ Forgery of Documents

¹ Crimes Related to Bankruptcy

¹ Selfish Criminal Acts

¹ Property Damage

¹ Criminal Acts that Endanger the Public

¹ Crimes Against the Environment

¹ Crime by Public Officials

درآمدهای حاصل از اعمال مجرمانه را مخفی نگه داشته و به این درآمدها جلوه های پاک و حاصل از اعمال قانونی می بخشید. (باقر زاده، ۱۳۹۵: ۲۶)

۲. چرایی توسل به دام ها در جرایم اقتصادی

در دورانی که ارتکا روز افزون جرایم خطرناک از قبیل جرایم تروریستی، جرایم سازمان یافته، حمل و نقل و مواد مخدر و سرقت های بزرگ، امنیت کشورها را به مخاطره انداخته و به عامل نگرانی در تمام کشورهای دنیا تبدیل شده است شگفت انگیز نخواهد بود اگر پلیس یا مامور اجرای قانون به تمامی روش ها برای جلوگیری از وقوع جرایم، کشف و دستگیری مرتکبان آن متوسل شوند. پلیس در برخورد با این گونه از جرایم که مشکلات زیادی را به بار می آورد، گاهی به طور انفعالی اما به روش های بدیع و نوین عمل می کند مانند نفوذ در باندهای تبهکارانه یا حمل یا تحویل تحت نظارت؛ ولی گاهی پا را فراتر از یک نظاره گر صرف گذاشته و به فعالیت های خود جنبه ی فعالانه می بخشد؛ بدین معنی که با توسل به عملیات محیلانه موجب ترغیب فرد مورد نظر خود به ارتکاب جرم می شود تا بتواند با توجه به ادله ی به دست آمده در لحظه ی ارتکاب جرم، موجبات محکومیت متهم را فراهم کند. عملیات فوق الذکر گاهی از استانداردها و اهداف خود فاصله گرفته و با تحریکی که به نوعی اصرار در ارتکاب جرم است، در اکثر مواقع موجبات درگیری یک شهروند عادی در رفتار مجرمانه را فراهم کرده و به دیگر سخن دام گستری به وقوع می پیوندد. (الهام و گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۱۱۰) دام گستری تا جایی که به ضعف دستگاه های اجرایی برمی گردد توجیهی ندارد، اما در پیشرفته ترین کشورها و مجهزترین پلیس های دنیا نیز نمی توان انتظار معجزه داشت. لذا باید راهی انتخاب کرد که به وظیفه نظارتی و مراقبتی پلیس نیز لطمه نزنند. پیشنهاد این است که دام گستری اصولا ممنوع باشد و تنها به طور استثنایی در جرایم کاملا خطرناک و مضر به حال اجتماع، آن هم در مورد مظنونان خاص که تمایل آن ها به ارتکاب جرم برای پلیس محرز شده است، تحت شرایط کاملا کنترل شده، به نیروهای تامین نظم و امنیت اجازه دام گستری داده شود. البته برای چنین موارد استثنایی نیز می توان راهکاری اندیشید تا کمترین لطمه به اصول عدالت و انصاف وارد آید. (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴: ۱۳۱) به هر ترتیب باید در نظر داشت که در راستای حفظ امنیت کشور نمی توان پلیس را از انجام دام گستری به طور مطلق منع کرد، به ویژه آن که در قوانین فعلی ایران، کشف جرم به روش دام گستری به طور صریح ممنوع نیست اما شایسته است که استفاده از روش هایی مانند دام گستری، محدود به کشف جرایم مهمی شود که به منافع عالی ی کشور لطمه زده و یا امنیت کشور را به خطر می اندازد امروزه ارتکاب جرایمی مانند پولشویی، قاچاق انسان، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، فساد اداری یکی از دغدغه های مهم جامعه بشری محسوب می شود. در مواجهه با چنین جرایمی که عموما در سطح فراملی و به صورت سازمان یافته انجام می شوند، شاهد سخت و دشمن محور شدن حقوق کیفری هستیم رویکرد جدید حقوق کیفری نسبت به این نوع از جرایم به گونه ای است که علاوه بر تشدید مجازات های قانونی در مواجهه با مرتکبان جرایم مزبور، گاهی برخی از اصول دادرسی های کیفری نیز به چالش کشیده می شود. مرتکبان عموما حرفه ای این نوع جرایم نیز معمولا با تشکیل و اداره باندهای مجرمانه و با استفاده از درایت، هوش و مهارت فراوان قصد ارتکاب جرم سازمان یافته را برای مدت طولانی مدت دارند. در این شرایط با توجه به شدت عمل رویکرد نوین حقوق کیفری و اهمیت حفظ امنیت کشور، اختیارات قانونی پلیس نیز باید افزایش یابد بنابراین در صورت لزوم و عدم کارایی سایر شیوه های کشف جرم، کشف این جرایم با اشکالات کمتری مواجه خواهد شد. (مقیم، ۱۳۸۶: ۱۵۸)

۳. طبقه بندی دام ها

دام ها را می توان به دام های مشروع و نامشروع تقسیم نمود، در ادامه هر یک از انواع این دام ها را تشریح خواهیم کرد.

۱,۳ دام های مشروع و مجاز

ما نمی توانیم با حقیقت مقابله نماییم حقیقتی که وجود دارد این است که پلیس را نمی توان به طور کلی از به کارگیری دام ها و روش های تحقیقی ویژه ممنوع نمود. دام گستری زمانی مجاز دانسته می شود که ظن سابقه ی مشارکت خاطی در ارتکاب جرائم جدی با ماهیتی مشابه جرائمی که در جریان دام گستری به وقوع پیوسته اند برود. بنابراین دام گستردن برای متهمینی که فاقد عنصر معنوی مورد نیاز برای ارتکاب جرم هستند، یا پیش از شروع فرآیند دام گستری، ظن وجود چنین عنصری در آن ها وجود نداشته باشد، به موجب بند ۱۶۱ قانون دادرسی کیفری آلمان مجاز نخواهد بود. (Franziska Gorlitz, Juliane Hubert, Jasmin Kucher, Moritz Scheffer and Patrick Wieser, 2019:505) برابر مفهوم مخالف قانون اخیر الذکر اگر ظن وجود فرد در ارتکاب جرم محتمل باشد استفاده از روش های مخفی در دستور کار قرار خواهد گرفت (Stariene, 2009:267) مثلا پولشوها ممکن است از صرافی ها استفاده کرده یا خود یک صرافی را به راه بیندازند آن ها اگر خود یک صرافی را ایجاد کنند به راحتی می توانند وانمود کنند که مشتریان زیادی داشته و درآمد قانونی خود را با دارایی های غیر قانونی ممزوج کنند. (Teichmann, 2017:6) حال اگر پلیس برای دستگیری چنین اشخاصی اقدام به طراحی یک دام نماید، این دام می تواند نوعی دام عادلانه تلقی گردد. چرا که به اعتقاد ما، بکارگیری دام ها برای افرادی که در حال ارتکاب جرم بوده عادلانه به نظر می رسد. این ادعای ما در پرونده رمانا سکاس علیه لیتوانی^۱ و ضوح مورد توجه دادگاه قرار گرفته در این پرونده، دادگاه صراحتا اظهار داشت که پیوستن به فعل جرم در حال وقوع، در محدوده ی اختیارات مامور مخفی جای گرفته و در نتیجه ناقض حق بهره مندی متهم از محاکمه ای عادلانه نیست چرا که معیار هر عمل اخلاقی نزد اشخاص شهیری مانند بنام، بیشترین سود برای بیشترین افراد است (جلیلی مقدم، ۱۳۸۹:۱۰۹) بر این اساس استفاده از دام ها برای دستگیری افرادی که در حال ارتکاب جرم بوده می تواند غایت و هدف قانونگذار که همان منفعت همگانی است را تامین کند زیرا کسی که مرتکب جرم می شود هدفش رسیدن به منفعت است اما در ارتکاب جرم برای وی خطر دستگیری و تحمل مجازات وجود دارد (رستمی، سلیمی، ۱۳۹۴:۱۴۹) و دام می تواند هم در دستگیری مجرمانی که در حال فعالیت مجرمانه هستند مفید افتد و هم می تواند این حس را در افراد ایجاد کند که همواره خطر دستگیری در کمین آن هاست از این رو خواهد توانست نوعی بازدارندگی و پیشگیری را به همراه داشته باشد.

۲,۳ دام های نامشروع

۱,۲,۳ مفهوم دام های نامشروع

مقام رسمی اعمال قانون یا مامور وی زمانی مرتکب دام گستری نامشروع می شوند که با هدف دستیابی به مدارک و شواهد برای یک دعوی کیفری، فردی را به مشارکت در فعالیتی مجرمانه تحریک نمایند، با استفاده از روش هایی که نامعقول بوده یا با سوء نیت به کار گرفته می شوند، یا این که می توانند آسیب قابل توجهی را به افراد یا جامعه وارد سازند، یا افراد غیر مستعد را به ارتکاب فعل جرم ترغیب کنند.

۱. تحریک کردن: مامور اعمال قانون فردی دیگر را به مشارکت در فعالیتی مجرمانه تحریک می کند اگر مامور آغازگر، برانگیزاننده، یا در غیر این دو حالت، پیشنهاد دهنده ی آن فعالیت مجرمانه باشد.

۲. غیر مستعد: فردی غیر مستعد برای مشارکت در جرم دانسته می شود که، پیش از تحریک شدن، منطقاً گمان مشارکت در فعالیت مجرمانه به وی نرود، یا منطقاً گمان نرود که قصد دارد در آینده مرتکب آن عمل مجرمانه شود.
۳. روش های نامعقول: نمونه روش های تحقیقی نامعقول شامل، ولی نه محدود به، موارد زیر می شوند:
- a. نقض حقوق تعریف شده ی فردی در قانون اساسی،
 - b. دخالت افراط جویانه و غیر قابل موجه در روابط مجرمانه، خاص، یا محافظت شده،
 - c. ارتکاب غیر موجه جرم به وسیله ی مسئولین اعمال قانون یا مامورین آن ها،
 - d. استفاده از محرک هایی که می توانند افراد عموماً قانون مند را به مشارکت در فعالیت های مجرمانه ترغیب کنند.
۴. سوء نیت: نمونه موارد سوء نیت شامل، ولی نه محدود به، موارد زیر می شوند:
- a. هدف اصلی از اجرای عملیات اعمال قانون، تحریک افراد غیر مستعد به مشارکت در فعالیت مجرمانه بوده باشد؛
 - b. مقامات دولتی ناتوان از بکارگیری رویه های معقول و سنجیده جهت حصول اطمینان از این بوده اند که محرک ها تنها به افرادی پیشنهاد شده باشند که در زمان آغاز عملیات در فعالیت مجرمانه مشارکت داشته، یا منطقاً گمان می رود در آینده در آن مشارکت داشته باشند؛
 - c. مامور اعمال قانون، فعالیت مجرمانه را به دلایلی برانگیخته باشد که آشکارا بی ارتباط با اهداف مشروع اعمال قانون باشند؛
 - d. مقامات دولتی ناتوان از بکارگیری رویه های معقول و سنجیده جهت به حداقل رساندن احتمال بروز آسیب های قابل توجه بوده باشند.
۵. آسیب قابل توجه: آسیب قابل توجه شامل، ولی نه محدود به، موارد زیر می شود:
- a. صدمه بدنی یا روحی جدی به فرد؛
 - b. خسارت شدید و غیر قابل توجیه به دارایی های فرد؛
 - c. توزیع گسترده و کنترل نشده ی کالاهای قاچاق یا مواد خطر ساز. (Gershman, 1981: 1588)

۲,۲,۳ ویژگی های دام گستری نامشروع

پروین اعتصامی شاعر فقید و پرآوازه ی کشورمان می فرماید:

گرچه گرد است به دیدن گردو نه هر آن گرد که دیدی گردو است. (اعتصامی، ۱۳۸۵: ۱۸۴)

این بیت زیبا همچنان که مبرهن است بر ضرب المثل معروف هر گردی گردو نیست اشاره دارد، همچنان که ما با دیدن هر گردی نمی توانیم حکم به گردو بودن آن دهیم علی هذا هر دام و تله ای که از سوی پلیس پهن و گسترده می شود را نیز نمی توان از مصادیق دام گستری نامشروع نامید. ما در ادامه به تشریح ویژگی های این نوع دام گستری خواهیم پرداخت.

۱,۲,۲,۳ وسوسه عامدانه ۲۰

تله و دام و بند بسیار است (اعتصامی، ۱۳۸۵:۱۶۹) و هرچند تله گذاری، نوعی دام محسوب می شود اما هر دامی را نمی توان مصداق دام گستری نامشروع دانست. راداری مخفی که برای گیر انداختن رانندگان متخلف تعبیه شده است نمونه ای از دام های پلیس به شمار می رود. با این وجود، رانندگانی که گیر می افتند نمی توانند مدعی شوند که در دام انداخته شده اند. در واقع، پلیس فرد را به ارتکاب جرم مذکور وادار یا تحریک یا تشویق نکرده است. چنین عنصری، که با نام و سوسه عامدانه شناخته می شود، برای به رسمیت شناختن دام گستری ضرورت دارد. و سوسه عامدانه به طور جامع به عملی اطلاق می گردد که شامل هر یک از افعال بالا مانند وادار کردن، تحریک کردن، یا تشویق کردن باشد. البته تفاوت هایی نیز میان هر یک از این افعال وجود دارند. برای مثال، می توان کسی را تحریک نمود، بدون این که نیاز به تشویق وی داشته باشیم. هر یک از اشکال و سوسه عامدانه می توانند دارای شدت و ضعف مختلفی باشند. و سوسه عامدانه را می توان در خصوص افعالی پیشنهاد داد که ماهیت مجرمانه دارند، مانند زمانی که پلیس با پرداخت رشوه سعی در وسوسه نمودن شخصی خاص دارد تا او اقدام به اختلال در نظام ارزی کشور نماید. راه های دیگری نیز برای طرح و سوسه های مجرمانه وجود دارند و آن استفاده از طعمه گذاری است. مانند تاسیس یک بانک که چنین وانمود می شود این بانک در کار تطهیر پول است. در اینجا پلیس به صورت عامدانه و به واسطه ی فراهم سازی فرصتی بسیار آسان برای ارتکاب جرم، افراد را وسوسه می کند. اگرچه پلیس از کسی مستقیماً تطهیر پول را نخواسته اما قصد پلیس این بوده افراد طماع را به انجام چنین کاری دعوت نماید. در مواردی، پلیس پا را از وسوسه عامدانه فراتر نهاده و خود نیز در فرآیند ارتکاب جرم مشارکت می کند. به عنوان مثال، پلیس در تطهیر درآمدهای نامشروع به مجرمین کمک می نماید. علی ایحال عملیات مخفی را همچنان می توان نمونه ای از دام گستری دولتی به حساب آورد حتی اگر پلیس هدف را برای استفاده از منابع خود به منظور ارتکاب جرم تحریک شده، به حال خود واگذارد. (Ho,2011:73)

۲،۲،۳ ماهیت عملیات مخفیانه و فریبکارانه^{۲۱}

هر عملیات مخفیانه و فریب کارانه ی پلیس را نمی توان نمونه ای از دام گستری نامشروع به شمار آورد. زمانی که یک جاسوس به درون یک گروه جنایی، تنها با هدف جمع آوری اطلاعات پنهانی مربوط به فعالیت ها و اقدامات آن گروه، نفوذ می کند، این را نمی توان دام گستری نامشروع دانست؛ زیرا ویژگی نخست دام گستری در این جا غائب است. هنگامی که به دام گستری فکر می کنیم، طبیعتاً عملیاتی مخفی را در ذهن تداعی می کنیم که شامل عنصری همچون دروغ گویی، وانمود سازی، پنهان کاری، تدلیس، و نظایر آن می شود. حال آیا دام گستری باید لزوماً مخفیانه و فریب کارانه باشد؟ ایراد اساسی ما به دام گستری این نیست که دام گستری ماهیتی مخفیانه و فریب کارانه دارد. ممکن است مفهوم دام گستری در ذهن برخی آن چنان از گستردگی و جامعیت برخوردار باشد که مواردی همچون مورد بالا را نیز در بر گیرد، اما برخی دیگر این گونه فکر نمی کنند. این را می توانیم با اطمینان بگوییم که: در موارد اصلی دام گستری، طرف و سوسه گر به طور مخفیانه و محرمانه عمل می کند، در حالی که مواظب است تا قربانی از حقه اش با خبر نشود. سوالی که در این جا مطرح می شود این است که حقه ی پشت دام گستری دولتی چیست. (Ho,2011:74)

^{۲۱}nature of operation – covert and deceitful

۳,۲,۲,۳ اهداف عملیات^{۲۲}

هر کسی از بهر صیدی گستراند دام را (حکیمی سبزواری، ۱۳۹۸:۳۸) در اینجاست که به ویژگی سوم دام گستری می‌رسیم. هدف از دام گستری دولتی وسوسه نمودن فردی به ارتکاب عملی مجرمانه است در عین حالی که تحت نظارت مخفیانه پلیس قرار دارد تا بر مبنای مدارک به دست آمده در جریان یا در نتیجه ی عملیات، علیه وی به اتهام جرم ارتكابی اعلام جرم صورت گیرد. وسوسه مذکور به نوعی طراحی می‌شود تا هر گونه مانعی را که ممکن است هدف در خصوص زیر پا نهادن قانون در ذهن خود داشته باشد خنثی کرده، و گستره ی گزینه های پیش روی وی را برای ارتکاب عملی غیر قانونی افزایش دهد، جایی که صرفاً ارتکاب جرم در زمره ی اهداف اصلی عملیات جای می‌گیرد. در دام گستری دولتی، غیر قانونی بودن رفتاری که پلیس در صدد تحریک آن است اتفاقی و جنبی نیست؛ هدف این است که فرد مورد نظر را به ارتکاب جرمی مشخص وادار سازند و نه این که کاری کند که به طور اتفاقی از ماهیتی مجرمانه نیز برخوردار باشد. انگیزه ی انجام عملیات از همان ابتدا آن است که فرد مورد نظر را محکوم و مجازات کنند. (Ho,2011:74)

۳,۲,۲,۳ وجود مامورین دولت به عنوان عامل دام گستر^{۲۳}

در دام گستری دولتی، بر خلاف دام گستری خصوصی، عملیات به وسیله دولت طراحی و اجرا می‌شود. مداخله ی دولت بیش از هر زمان دیگری در مواردی مشهود است که عملیات دام گستری به وسیله ی یک مامور پلیس مخفی و با مجوز قبلی از سوی مقام مافوق که خود او نیز قانوناً صلاحیت صدور چنین مجوزهایی را دارد، انجام می‌شود. اگر مامور پلیس بدون مجوز لازم عمل کرده یا یک خبرچین تنها پس از آن که فرد دیگری را به ارتکاب عملی مجرمانه تحریک کرده با پلیس ارتباط برقرار کند چه؟ این نوع موارد حاشیه ای موضوعات پیچیده و دشواری را در رابطه با عاملیت دولت به میان می‌آورند که بررسی آن‌ها از حوصله بحث حاضر خارج خواهد بود. نقش دولت به دام گستری ختم نمی‌شود؛ بلکه در روند تعقیب قضایی و دادگاهی کردن متهم نیز ادامه می‌یابد. آن چه در دادگاه شاهد هستیم موقعیتی است که به موجب آن، بازوی اجرایی دولت در تلاش برای جلب محکومیت متهم به اتهام ارتکاب جرمی است که خود وی را به انجام آن وسوسه کرده بوده است. فردی که مسئول دام گستری بوده و فردی که علیه متهم اعلام جرم می‌کند هر دو از کارمندان بازوی اجرایی دولت هستند. این مساله صرف نظر از جدایی میان وظایف و مسئولیت‌ها و عدم ارتباط مستقیم میان نیروی پلیس و فرآیندهای قضایی همچنان صدق می‌کند. این دو نهاد جزو مولفه های کلیدی نظام رسمی اعمال قانون هستند. کارکرد های آن‌ها در یکدیگر ادغام شده اند: دادستان با پرونده ای که از سوی پلیس به وی ارجاع شده سر و کار دارد و هدف اصلی تحقیقات پلیس نیز فراهم کردن پرونده ای برای دادستان به منظور اعلام جرم علیه متهم است. (Ho,2011:74-75)

۳,۲,۲,۳ علیت و آزمون خلاف واقع^{۲۴}

^{۲۲}aims of operation

^{۲۳}State agents as entrappers

^{۲۴}causation and the counter-factual test

نهایتاً و مهم تر از تمام ویژگی های دیگر، وسوسه ی عامدانه مطرح شده از سوی دولت می بایست لزوماً سبب شده باشد که متهم دست به ارتکاب جرم اتهامی بزند. به طور خلاصه، دولت باعث می شود تا فردی دست به ارتکاب جرمی مشخص بزند، و آن فرد را برای انجام چنین کاری در دام می اندازد، تنها در صورتی که جرم از نوعی باشد که فرد در حالت عادی و در نبود مداخله پلیس، هرگز مرتکب آن نمی شده است. به سختی بتوان مطمئن بود که امکان ندارد فرد در حالت عادی هرگز مرتکب چنین جرمی شود. معمولاً، تنها می توان در این مورد اطمینان داشت که احتمال در دست بودن چنین مساله ای وجود دارد. میزان احتمال مورد نیاز برای اجرای دام گسترتری چیست؟ در این جا، کفایت به چند نمونه ی واضح برای معرفی ویژگی پنجم اشاره کنیم. هنگامی که متهم به دنبال انجام همان کاری باشد که سعی دارید او را به انجامش ترغیب کنید (مثلاً سعی می کنید متهم را به جعل پول وادار سازید در حالی که وی از قبل مشغول طرح ریزی نقشه ای دقیقاً برای انجام همان کار بوده است) یا فرصتی مجرمانه پیش پای متهم قرار می دهید در حالی که وی از قبل در صدد یافتن چنین فرصتی بوده است معنای خلاف واقع خود وجود ندارد. چنین ایده ای پیش تر از جانب دادگاه حقوق بشر اروپا نیز مطرح شده است. در تعدادی از پرونده ها، دادگاه ادعای دام گسترتری نام شروع متهم را رد کرده است به این دلیل که پلیس "آغازگر" فعالیت مجرمانه نبوده بلکه تنها در انجام آن "شرکت داشته" است. بنابراین دام گسترتری عبارت است از عملیاتی مخفی به وسیله پلیس با هدف عامدانه و آگاهانه ی وسوسه کردن شهروندان به ارتکاب جرائم به منظور اعلام جرم علیه آن ها به اتهام ارتکاب آن جرائم. چنین عملیاتی می تواند درست یا نادرست باشد. هنگامی که ویژگی پنجم نیز حاضر باشد، عملیات مخفی مورد نظر تبدیل به عملیاتی نادرست می شود، به این دلیل که در نتیجه ی انجام چنین عملیاتی، هدف وادار به ارتکاب جرمی می گردد که در حالت عادی هرگز مرتکب آن نمی شده است. دام گسترتری دولتی در معنای مطلق یا منفی خود نیازمند حضور هر پنج ویژگی مذکور است.

۴. انواع دام ها و تله ها به اعتبار ارزش علامت دهی مجرمانه

یک افسر پلیس هیچ گاه شاید متوجه نگردد که چگونه فلان اتفاق می افتد و یا چرا فلان اتفاق افتاده اما یک مجرم می داند چه کاری باید انجام دهد یا چگونه فلان کار را باید انجام دهد و اینکه چرا قرار است این کار را انجام دهد. (Gottschalk, 2010: 25) این را می توان دانش مجرمانه نامید، دانش مجرمانه هنگامی وجود دارد که مجرم از نحوه ی انجام جرم و نحوه ی برخورد رقبا و پلیس با جرم مطلع شود. اینجاست که مجرم از پلیس پیشی می گیرد به عنوان مثال بنگاه های اقتصادی مجرمانه ممکن است از روش ها و شیوه های پولشویی و دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات که برای سازمان های اجرای قانون کاملاً نا آشنا بوده، آگاهی داشته باشند. اگر پلیس دانش بیشتری داشته باشد، با جرم به طوری کارآمدتر مبارزه خواهد نمود و موفق نیز خواهد شد (Gottschalk, 2010: 22-26) در این صورت ضرورتی به تله گذاری احساس نخواهد شد اما اگر دانش مجرمان بیش از پلیس باشد، ما به تله گذاری نیاز خواهیم داشت. به دام انداختن مجرمین، منجر به منفعتی اجتماعی می شود که همگی از آن سود خواهند برد - آن منفعت چیزی نیست جز افزایش سطح پیش گیری از جرم و این همان قاعده ی بیشترین سود برای بیشترین افراد است (جلیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۰۹). پس دام گستردن برای افراد مختلف واقع در یک مجموعه ی اقتصادی می تواند این فایده را داشته باشد که به طور کلی آن دسته از مجرمین احتمالی را که با دیده ی تردید به منابع، تعهد، و توانایی پلیس برای ریشه کن نمودن شرارت های بالقوه می نگرند، از ارتکاب اعمال مجرمانه منصرف نماید. از این رو، محکومیت فرد به دام افتاده موجب پیش برد هدف اجتماعی کلی پیش گیری از جرم می شود با این حال دام ها اگر دقیق

طراحی نشوند هم موجب مسئولیت پلیس شده و هم اینکه موجب عدم مسئولیت متهم خواهد شد علاوه بر این مشکلات عدیده دیگری را به همراه خواهد داشت.

۴،۱ تله های فاقد ارزش علامت دهی مجرمانه

تله های فاقد ارزش علامت دهی، در واقع تله های هدایت کننده فرد به ارتکاب جرم بوده که دو مشخصه اصلی و مهم دارند این نوع تله ها یا به طرز غیر معمولی و سوسه کننده هستند یا اینکه در آن ها از ابزارهایی چون؛ تهدید، فشار یا آموزش، برای جلب مشارکت شخص به کار برده می شود. هدفی را در نظر بگیرید که با پیشنهاد فرصتی که به طرز غیر معمولی و سوسه کننده است مواجه شده، فرصتی که امکان ندارد در طول زندگی نظیر آن را به دست آورد. فرض کنید فرصتی به این هدف داده شده که ظاهراً با ریسک ناچیزی بتواند مقدار هنگفتی پول نقد را به دست بیاورد، در اینجا احتمال گرفتن یک طعمه از سوی یک مجرم واقعی - که اگر فرصت کند جرایم دیگری را نیز انجام خواهد داد - بیشتر از گرفتن همان طعمه به وسیله یک انسان دست پاک و درستکار است. با این وجود، حتی چنین فرد درستکاری هم ممکن است از این فرصت مجرمانه استفاده کند، حتی با این که امکان نداشته در نبود این فرصت استثنایی هرگز دست به ارتکاب جرم بزند. پیدا است که این نوع نیش و تله را نمی توان چندان بر گرایشات مجرمانه هدف دلالت داد. زیرا یک فرد غیر مجرم که در حالت عادی حتی فکر ارتکاب جرم به سرش نخواهد زد نیز اگر به اندازه کافی تحت فشار قرار داده شود در نهایت تسلیم خواهد شد. بنابراین، تقریباً هر کسی را می توان متمایل به ارتکاب جرم کرد، اگر پیشنهاد جنایی به اندازه کافی و سوسه انگیز باشد. (ROSS, 2014: 679) از طرف دیگر ماهیت استفاده از ابزار تهدید برای جلب مشارکت هدف، به گونه ای است که می تواند با ارزش علامت دهی منفی همراه باشد؛^{۲۵} به این معنا که قربانی نیش را به عنوان فردی غیر مجرم معرفی خواهد کرد. مثلاً در بسیاری از موارد، مامور مخفی کار خود را با اعمال فشاری ملایم بر هدف آغاز کرده، و از وی درخواست همکاری می کند؛ اگر هدف در قبول این درخواست درنگ کند، مامور آن قدر او را اذیت کرده یا تهدید می کند که بالاخره به درخواست مامور تن دهد. در اینجا، واکنش هدف به نیش - گرفتن طعمه با بی میلی فراوان - را می توان نشان دهنده ناچیز بودن احتمال ارتکاب جرم به وسیله هدف در نبود تحریکات مامور دانست. به همین دلیل، ما حاصل عملیات نیش می تواند تبرئه هدف در عوض محکومیت وی باشد، حتی با در نظر گرفتن این که هدف طعمه را گرفته است. البته، بی میلی ظاهری را نمی توان لزوماً توجیهی برای تبرئه متهم دانست. خلافکاران حرفه ای پیش از آن که نهایتاً پیشنهادی را بپذیرند، ابتدا اغلب در برابر درخواست انجام "کار" تظاهر به بی میلی می کنند (دقیقاً با هدف دفع خطر نیش ها). اگر مدارک زمینه ای مستدل و کافی در دسترس باشد، تصمیم گیرنده می تواند نتیجه بگیرد که شانس کلی مجرم بودن هدف بالاست. با این حال، ممکن است مبنای این نتیجه گیری نه واکنش هدف به نیش بلکه درست بر خلاف آن باشد. نوعی دیگر از تله ها و نیش ها وجود دارند که هیچ گونه ارزش علامت دهی را به دنبال نداشته و قاعدتاً نخواهند توانست فرد به دام افتاده را مجرم قلمداد نماید و آن مربوط به زمانی است که بعضاً ارتکاب جرم نیاز به دانش و تجربه ای خاص دارد. به عبارتی اگر ارتکاب جرم نیازمند موقعیت، توانایی و تبحر خاصی باشد چنانچه مرتکب فاقد تجربه و توانایی لازم در آن جرم بوده مسلماً مرتکب فردی غیر مستعد قلمداد شده و برنده دفاعیه دام گسترده خواهد بود. به عنوان مثال طیف گسترده ای از فعالیت های جنایی در شرکت ها وجود دارد که پولشویی و رشوه از جمله ی این جرایم است. (Abdullah, Said, 2017: 61) حال اگر پلیس به یک شرکت که مداخله ای در ارتکاب جرم نداشته، راه های جدید پولشویی و چگونگی تزیق پول تطهیر شده به بازارهای مالی را آموزش دهد، ارتکاب پولشویی

^{۲۵} سوی مغرب چو رو کند خورشید ... سایه ها را دراز تر بینی ... (رهی معیری، ۱۳۸۵: ۳۰۸)

از سوی این شرکت با علامت دهی منفی همراه است و نمی توان این شرکت را به پولشویی محکوم نمود زیرا عامل اساسی ارتکاب جرم، آموزش های پلیس بوده و اساسا در صورت عدم آموزش پلیس چنین جرمی محقق نمی شد. بنابراین این تله، یک تله بی فایده بوده و قادر نخواهد بود مجرمیت شرکت را نمایان سازد.

۲،۴ تله ها و دام های بازدارنده از ارتکاب جرم

بسیاری از افرادی که تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار داشته و ظرفیت کیفی آن ها هم خیلی بالا بوده، معهدا هیچ گاه مرتکب جرم نشده اند، علت هم آن بوده که موقعیت ارتکاب جرم را بدست نیاورده اند. در تحقق پدیده جنایی، موقعیت نقش بسیار مهمی را ایفا می نماید اگر این موقعیت به وجود نیاید ارتکاب جرم تقریبا غیر ممکن است (محسنی، ۱۳۹۳:۶۳) از جمله اثرات طبیعی فعالیت های مخفیانه پلیسی - و اعلان عمومی این موضوع - این است که افراد همواره بیم آن را خواهند داشت که در هر زمان و در هر مکان بی آن که خود بدانند تحت نظر باشند. چرا که رسانه ها آن چنان قدر تمند بوده که می توانند برداشت های ما در خصوص کنترل جرم را نیز چارچوب بندی کنند. (مارش، ملویل، مورگان، نوریس، والکینگتن، ۲۰۲۲:۱۳۹۳) از این رو فعالیت های مخفیانه پلیس می تواند در موقعیت ارتکاب جرم نوعی ترزلر ایجاد نماید. پیداست که در صورت افراط در استفاده از این سیاست، اثرات و نتایج زیان باری حاصل خواهند شد؛ اگر قرار باشد هر کس را که می بینیم گمان کنیم جاسوس دولت یا مامور مخفی است، جامعه مدنی از هم فرو می پاشد. اما اگر این سیاست در مسیر درست هدایت شود، فضای شک و تردید ناشی از فعالیت های مخفیانه پلیس می تواند با اثرات بازدارنده بسیار مطلوبی همراه باشد. اگر خلافکاران بالقوه دائما نگران این باشند که یک فرصت مجرمانه ظاهرا جذاب در واقع دامی از سوی پلیس است، ممکن است تصمیم بگیرند که از کنار آن عبور کنند. چرا که مرتکب اعمال خلاف هنجار، یک حسابگر است که قبل از اقدام دست به سنجش می زند (جندلی، ۱۳۹۵:۸۷) و یکی از این موارد می تواند سنجش این موضوع باشد که آیا این فرصت یک تله پلیسی است یا خیر. اغلب این دقیقا همان تاثیری است که مسئولین در جستجوی هستند. ممکن است پلیس بخواهد این باور را در ذهن اعضای یک باند خلاف القا کند که جاسوسان دولت در آن نفوذ کرده اند. به همین منوال، پلیس می تواند تبهکاران بالقوه را به این باور برساند که برخی از قربانیان احتمالی آن ها در حقیقت مامورین مخفی پلیس بوده، و این که تمام جرائم آن ها توسط دوربین ضبط خواهد شد. ما باید افراد را از مجرم بودن بترسانیم. اگر درصد نفوذ نیش به اندازه کافی بالا باشد، مجرمین بالقوه از فرصت های مجرمانه واقعی چشم پوشی کرده، با این خیال که هر فرصت می تواند یک نیش و تله ی پلیسی باشد. توجه داشته باشید که معیار موفقیت برای نیش های اطلاعاتی و نیش های بازدارنده کاملا متفاوت است. در نیش های اطلاعاتی، معیار جدا سازی مجرمین از شهروندان قانون مند است. از جمله نشانه های کلیدی موفقیت در این نوع نیش، به دام افتادن مجرمین بالقوه می باشد؛ هر چه بیشتر، بهتر. نیش های بازدارنده موضوعی جداگانه هستند. هدف از اجرای آن ها تبدیل مجرمین به افراد مطیع قانون است. یکی از نشانه های کلیدی موفقیت در این نیش ها این است که مجرمین بالقوه در دام پلیس گرفتار نشوند، زیرا ترس از دستگیری سبب شده از ارتکاب جرم صرف نظر کنند. شکی نیست که اولین واکنش نسبت به ترس از جرم این است که افراد احتیاط بیشتری را خرج می دهند (عبدللهی، یوسفی مراغه، ۱۳۹۱:۱۶۱) به عبارت دیگر اجرای عملیات های مخفی موجب محتاط نمودن مجرمین حرفه ای شده بدین شرح که با علنی شدن این عملیات ها، مجرمین حرفه ای با احتیاط بیشتری به فعالیت های مجرمانه ی خود مبادرت نمایند. از آن جایی که مجرمین بالقوه توان تمیز فرصت های مجرمانه واقعی از نیش را ندارند، در نتیجه از هر دو موقعیت، دوری می کنند. (Hay, 2005:412) حامیان عملیات های مخفی پلیس بر این عقیده اند که عملیات های نیش پلیس در برابر جرایم، از اثر بازدارندگی برخوردار است. (Constantinou, 2107:488) حال اگر هدف دولت از طراحی دام ها، بازدارندگی باشد، آنگاه همگان باید بدانند که مامورین مخفی در سطح شهر در حال پیشنهاد

مشوق هستند، زیرا بازدارندگی موجب می‌گردد آن دسته از افراد جامعه که گرایش‌های بزهکارانه دارند نه از روی تمایل حقیقی و نه به دلیل عوامل درونی، بلکه به واسطه وجود عامل بیرونی از بزهکاری انصراف دهند (محمودی جانکی، آقای، ۱۳۸۷: ۳۴۵) در واقع هدف از بازدارندگی، تلاش در جهت جلوگیری از بزه در آینده است (محمودی جانکی، آقای، ۱۳۸۷: ۳۴۵) بنابراین اگر هدف اولیه از اعلان عمومی تله‌گذاری، بازدارندگی باشد در این صورت هدف غایی و نهایی این است که افراد را وادار به مقاومت در برابر پیشنهاد کرد. با این حال، این خود مشکل دیگری را به بار می‌آورد: اگر مامورین شروع به پیشنهاد دادن مشوق کنند، آن‌گاه به میزان عدم موفقیت در بازدارندگی، ممکن است افراد فاقد استعداد مجرمانه را به قبول این مشوق‌ها مجاب نمایند. در واقع، ممکن است در نهایت افرادی به دام بیافتند که هرگز امکان نداشت در دنیای واقعی با مشوق پیشنهادی مواجه شوند، و در نتیجه اگر به خاطر عملیات نیش نمی‌بود هرگز مرتکب هیچ جرمی نمی‌شدند. اجازه دهید در اینجا مثالی مرتبط با موضوع ذکر کنیم. فرض می‌کنیم دولت می‌خواهد افراد را از همکاری با پولشویان منصرف کند. همچنین فرض می‌کنیم که پولشویان به منظور جلب همکاری دیگران اغلب از روش‌هایی چون تشویق، تحریک یا تطمیع سود می‌جویند. حال فرض خواهیم کرد هر کس تن به این نوع همکاری دهد مرتکب جرم شده است. دولت به منظور نیل به اهداف بازدارنده خود باید مامورین مخفی را ملزم به استفاده از روش‌های مشابه بکند (و این قصد را عمومی کند). با این وجود، وقتی مامورین اعمال فشار می‌کنند، برخی از اهداف ناگزیر در برابر آن تسلیم خواهند شد - حتی با وجود این که تمایلی به همکاری با پولشوها نداشته، و شاید هرگز در طول عمرشان با یک پولشوی واقعی مرادده نمی‌داشتند. در نتیجه، دام، که برای تحقق هدف بازدارندگی لازم است، به ناچار برخی افراد بی‌گناه را که هرگز امکان نداشت مرتکب جرم مورد نظر شوند گرفتار می‌کند. اگر بتوان به بازدارندگی کامل دست یافت، آن‌گاه می‌توان از بروز این مشکل جلوگیری کرد. در مثال ما، فرض می‌کنیم که دولت، با اعلان عمومی این که مامورینش تمام روش‌های جذب نیرو از سوی پولشویان واقعی را تقلید خواهند کرد، موفق شده همه را از تسلیم شدن در برابر مشوق‌ها و محرک‌ها، شامل اعمال فشار توسط سازمان‌های پولشویی، باز دارد. در این صورت، هیچ کس در دام پلیس نخواهد افتاد، به این علت که همه در برابر تلاش پولشوها، چه واقعی و چه جعلی، برای جذب خود مقاومت نشان می‌دهند. اما در عمل هیچگاه این طور نخواهد شد. زیرا اگر دامی گسترده شود، کسی هم در نهایت در این دام خواهد افتاد. اگر مامورین دولت بتوانند از قبل غیر مجرمین را شناسایی کرده، از دام گسترده برای آن‌ها اجتناب نموده، و آن‌هایی را که به اشتباه به دام افتاده اند آزاد کنند، مشکل به دام انداختن افراد بی‌گناه حل خواهد شد. فرض کنید تنها آن‌هایی به دام بیافتند که در نبود چنین دامی، از سوی پولشوها با موفقیت جذب شوند. اگر وجود این دام‌ها علنی شود، برخی از این افراد از همکاری با سازمان پولشویی منصرف خواهند شد؛ دیگران پا به دام دولت خواهند گذاشت. در هر یک از این دو حالت، خطر به دام انداختن افراد بی‌گناهی که هرگز با پولشوها همکاری نخواهند کرد از میان برداشته می‌شود. با این حال، این نیز غیر واقع‌گرایانه است. شک و تردید جزئی از فرآیند اعمال قانون می‌باشد. هیچ کس نمی‌تواند فرض کند آن‌هایی که در عملیات‌های نیش‌دستی می‌شوند تنها محدود به خلافکاران بالقوه خواهند بود. اگر هدف مسئولین نه شناسایی مجرمین، بلکه منصرف کردن آن‌ها از ارتکاب جرم باشد. خطر به دام افتادن موجب می‌شود تا استفاده از فرصت‌های مجرمانه ظاهری برای خلافکار بالقوه با هزینه‌های بیشتری همراه باشد. در نتیجه ممکن است از فرصت‌های واقعی‌ای که در حالت عادی به سویشان جذب خواهد شد روگردان شود.

۴,۳ تله‌های دارای ارزش علامت دهی مجرمانه

این دسته از تله‌ها، دارای ارزش علامت دهی بوده که می‌توانند آشکارکننده‌ی جرم باشند در این دسته از تله‌ها باید توجهی ویژه به مدارک پیش یا پس جرم یا حین ارتکاب جرم نمود. در ادامه هر یک از این تله‌ها را تشریح خواهیم کرد.

۳,۴، تله های دارای ارزش علامت دهی با تاکید بر لزوم توجه به مدارک پیش و پس جرم

پرونده هایی وجود دارند که در آن، محرک دولت به سوی فردی هدایت شده که غیر مستعد تصور می شده، اما در واقعیت این طور نبوده و فرد مستعد ارتکاب جرم بوده است. آن طور که در ادامه خواهید دید، تعداد این قبیل پرونده های موسوم به 'فکری' - پرونده هایی که در آن پلیس بی آن که خود بداند فردی را که دارای استعداد مجرمانه است به دام می اندازد - می تواند اندک باشد. در پرونده ایالات متحده علیه پیکارد^۷ و هالینگزورث^۸ دولت دو سرمایه گذار را به دنیای بین المللی متصل کرد و در واقع زمینه های پولشویی و ارتباطات مناسب زیر زمینی را برای آن ها فراهم نمود (Tawil, 2000: 2381) که نهایتاً در این پرونده قاضی پوزنر به وضوح، مجازات پیکار را مجاز می داند زیرا او از دانش، تجربه و قدرت تماس با نهادهای پولشویی برخوردار بود (McAdams, 2007: 16) بدیهی است اگر در مواردی ارتکاب جرم نیازمند موقعیت و تبحر و توانایی خاصی بوده در این صورت اگر مرتکب فاقد تخصص و توانایی لازم در آن جرم باشد مسلماً وی فردی غیر مستعد قلمداد شده و برنده دفاعیه دام گسترده خواهد بود. (McAdams, 2007: 5) اما اگر تجربه و تخصص او نمایان گردد، او بازنده ی دفاعیه قلمداد می شود. همانطور که مشخص است متصل نمودن دو نفر به بازار سرمایه آنگاه رویت تبحر یکی از این افراد کاملاً اتفاقی بوده و پلیس به طور کاملاً تصادفی موفق شده یک مجرم مستعد را به دام بیندازد. یا در پرونده ای دیگر در فوریه ۱۹۸۷، به منظور بررسی امکان سپرده گذاری در پاناما از طریق بانک بین المللی، مامور میز^۹ حسابی را در شعبه ی تامپا متعلق به بانک جهانی اعتبار و تجارت افتتاح می کند. دلیل انتخاب این شعبه از این بانک تنها به خاطر سهولت دسترسی به آن بود، زیرا مامور میز پیش تر تابلویی را دیده بود که خدمات بین المللی این بانک بخصوص را تبلیغ می کرد. . . فردی موسوم به آرگودو^{۱۰} که از کارکنان بانک بود به مامور میز توصیه می کند که مشتری هایش به دلایل امنیتی در شعبه مرکزی بانک واقع در شهر پاناما اقدام به افتتاح حساب کنند، به این خاطر که در غیر این صورت، به دلیل نبود توافق نامه ای میان ایالات متحده امریکا و دولت پاناما، نهاد های امریکایی امکان دسترسی به سوابق بانکی خود را نخواهند داشت. . . پس از اظهار نظر های ناخواسته ی آرگودو، مامورین مخفی تصمیم می گیرند در مورد احتمال مشارکت مدیران بانک جهانی اعتبار و تجارت آذر فعالیت های مجرمانه تحقیقاتی را انجام دهند (Parry and Hunt, 1994: 150) این گونه بود که در نتیجه ی انتخاب تصادفی یک شعبه از یک بانک توسط یکی از مامورین مخفی گمرک و اظهار نظری ناخواسته از سوی یکی از کارکنان آن بانک، این ترفند پانزی جهانی در ابعاد بسیار گسترده افشا شد. عملیات موسوم به 'C-Chase' (اسم رمز عملیات) به عنوان عملیاتی مخفی با همکاری مشترک میان اداره گمرکات ایالات متحده و اداره درآمدهای داخلی در حد فاصل سال های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ انجام شد. هدف از اجرای این عملیات، شناسایی حداکثری قاچاق چیان کوکائین و پول شویان کلمبیایی بود. در مدت زمان کمی، عملیات مذکور که از ایالت فلوریدای امریکا آغاز شده بود گستره ای جهانی یافت. (Parry and Hunt, 1994: 151) در پرونده های از این دست، تصمیم گیرنده می داند که متهم طعمه پلیس را گرفته است.

^۷fucky hit

^۸Pickard

^۹Hollingsworth

^{۱۰}Mazur

^{۱۱}Bank of Credit and Commerce International

^{۱۲}Argudo

^{۱۳}BCCI

همچنین، تصمیم گیرنده در ذهن خود نسبت به احتمال مجرم بودن متهم، از پیش از شروع محاکمه داده ها یا باور های زمینه ای را جای داده است. بر مبنای این اطلاعات، تصمیم گیرنده تلاش می کند احتمال کلی مجرم بودن متهم را به قضاوت بگذارد. اطلاعاتی که مبنای این شانس قرار می گیرند را می توان پیش از اجرای نیش گرد آوری کرد؛ در غالب موارد، پیش از آن که پلیس اقدام به گذاشتن طعمه کند، ابتدا درباره هدف تحقیق کرده و پاره ای اطلاعات محکوم کننده را پیرامون وی جمع آوری می کند. با این حال، برخی اطلاعات را می توان پس از خاتمه ی عملیات جستجو نمود؛ چرا که بعد از مشاهده، توانایی نتیجه گیری هوشمندانه یکی از ویژگی های یک ناظر خوب است (CHARLES A. SENNEWALD, JOHN K. TSUKAYAMA, 2015:18) برای مثال، بعد از اجرای یک عملیات نیش در حوزه پولشویی، پلیس، ممکن است حجم عظیمی از پول که فعلا موفق به تطهیر آن ها نشده را در ید مجرم بیابد. شانس زمینه ای را از هر گونه اطلاعاتی که در ارتباط با احتمال مجرم شدن متهم در دسترس تصمیم گیرنده قرار می گیرد استخراج می کنند. این اطلاعات می تواند شامل اظهارات متهم در برابر پلیس یا دیگر افراد، پیش یا پس از نیش باشد؛ یا دستگیری و محکومیت های پیشین به اتهام جرائمی مشابه با جرم فعلی؛ یا دیگر مدارک موجود در رابطه با شخصیت یا گرایشات مجرمانه ی متهم. اعضاء هیئت منصفه همواره این امکان را دارند که مدارکی از این دست را در پرونده های دام گستره ی به دقت از نظر بگذرانند، مدارکی که پذیرش یا عدم پذیرش آن ها در چارچوب محدودیت هایی مشخص قرار می گیرد. و حتی اگر هیئت منصفه از پذیرش این مدارک سر باز زند، دادستان می تواند آن ها را بررسی کرده و در زمان طرح اتهامات علیه متهم به کار گیرد؛ درست همانند قاضی پرونده در هنگام صدور حکم. (Hay, 2005:405) میزان علامت دهی نیش های مختلف می تواند تا حد بسیار زیادی متغیر باشد. چرا که ممکن است یک تصمیم حاکی از آن باشد که قربانی تحریک دولت معمولا مستعد عمل مجرمانه بوده و در نتیجه بی گناه نیست (Marcus, 1986:8) برای مثال یک مامور پلیس مخفی را تصور کنید که به نزد هدفی رفته، و درست همان جا و در همان لحظه، به وی پیشنهاد رشوه ای کلان برای اخلال در بازار ارز را می دهد هدف پیشنهاد مامور را پذیرفته و از او می خواهد که پول را به چندین نفر در جاهای مختلف تحویل دهد در اینجا رفتار هدف نشان می دهد که کار این فرد یک کار تشکیلاتی و سازمان یافته بوده و احتمالا به جز مامور پلیس هر کس دیگری نیز به آن ها رشوه ای کلان پیشنهاد دهد پیشنهادش را با رعایت سایر شرایط مد نظر خود، رد نخواهند کرد. مامور با درخواست از هدف برای پذیرش رشوه مورد نظر در همان محل و در همان لحظه، در واقع به نوعی افراد غیر رشوه گیرنده را غربالگری نموده است، زیرا بیان نحوه ی واریز و ارائه ی وجه و وجود چنین تشکیلاتی نشان از آن دارد که این فرد در کار دریافت رشوه های کلان و سازمان یافته می باشد. بنابراین وجود چنین تشکیلاتی حاکی از آن است کسانی که در چنین دامی می افتند به احتمال بسیار فراوان مجرم هستند.^{۳۳}

۲,۳,۴ تله های دارای ارزش علامت دهی با تاکید بر لزوم توجه به مدارک حین ارتکاب جرم

این تله ها برای افرادی که در حال ارتکاب جرم بوده طراحی و اجرا می گردند در واقع به دام انداختن افرادی که خود آن ها شروع کننده ی جرم بوده امری مهم و مثر ثمر قلمداد می گردد به عنوان مثال در خلال یکی از عملیات های مخفی نیش موسوم به عملیات تیک^{۳۴}؛ که با هدف افشای فرآیندهای پولشویی تعدادی از بانک های مکزیکی و امریکای جنوبی در خاک امریکا که گمان می رفت اقدام به شسته شوی مبالغ حاصل از جرم کرده با شند، مامورین مخفی مبلغی معادل ۳,۹ میلیون دلار را در یک حساب میان بانکی مورد

^{۳۳} ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری؛ کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقول که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

تایید بانک نیویورک متعلق به بانکی مکزیکی به نام بیتال^۵ آریز کردند. مبلغ مذکور هم شامل عوائد واقعی حاصل از قاچاق مواد مخدر می شد که در طول یکی از عملیات های مخفی نیش در حوزه مبارزه با قاچاق مواد مصادره شده بود و هم مبالغی ساختگی که از سوی دولت در اختیار مامورین مخفی قرار داده شده بود. سپس کارمند بانک بیتال، پیش از صدور چک های بانکی در وجه افراد مورد تقاضای مامورین مخفی، این مبلغ را به حساب هایی صوری در شعبه های محلی بانک در مکزیک منتقل می کند. (Bell, 2001: 336) پلیس با طراحی این تله، در واقع پرده از پولشویی این بانک برداشته، بنابراین این تله ها دارای ارزش علامت دهی مجرمانه بوده و به صراحت مجرمیت مرتکبین را نشان خواهد داد

۵. دام ها و تله ها در جرم اقتصادی پولشویی

امروزه با عنایت به گسترش فعالیت گروه های جنایتکار سازمان یافته و توجه به این امر که جنایات ارتكابی این گروه ها، منافع مادی بسیاری را از طریق ارتكاب جرایمی نظیر قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، اخاذی، فحشاء و مواد الکلی نصیب این گروه ها می نماید طبیعتاً جهت مخفی نمودن منشاء نامشروع این دارایی ها، فرآیند تطهیر پول مورد توجه این باندهای جنایتکار قرار می گیرد تا از ورای این اقدام و با ادغام و انتقال و یا تبدیل درآمدهای ناشی از جرم با اموال و دارایی های مشروع، ریشه درآمدها مخفی بماند و طبیعتاً با تداوم این جریان، امکان فعالیت این گروه ها فراهم باشد. عملیات های نیش در حوزه پولشویی به پلیس اجازه می دهد که از عملیات های محرک استفاده کند (Hart, 2014: 1456) اساساً، دو نوع عملیات نیش را می توان در حوزه جرائم پول شویی نام برد، "نیش زدن به پول شو" و "نیش زدن به کارآفرین جنایی"^{۳۷}

۵.۱ نیش زدن به پولشو

در این نوع از عملیات، مامورین پلیس خود را به عنوان مجرم معرفی کرده و از پول شو می خواهند که "عایدات حاصل از جرم" را برایشان اصطلاحاً بشوید. در این نوع عملیات ها، مبالغی که برای پول شویی عرضه می شوند در حقیقت عایدات حاصل از جرم نبوده و تنها این گونه وانمود می شود که این مبالغ از راه فعالیت های مجرمانه به دست آمده اند و در واقع عایدات "ساختگی" هستند.

۵.۲ نیش زدن به کارآفرین جنایی

در دومین نوع عملیات نیش، که گاهی با نام "نیش معکوس" نیز شناخته می شوند، مامورین مخفی خود را در لباس پول شو جا زده و مجرمین را ترغیب به استفاده از "خدمات پول شویی" خود می کنند. در این نوع عملیات ها، مبالغی که به منظور پول شویی عرضه می شوند عایدات واقعی حاصل از جرم هستند. با وجود این که برای طراحی و اجرای عملیات های نیش معکوس غالباً باید منابع قابل توجهی را صرف کرد، این دست عملیات ها امکان شناسایی مجرمین مشخص و منبع سرمایه های آنان و همینطور شناسایی و ردیابی دارایی های حاصل از فعالیت های مجرمانه را به پلیس خواهند داد. همان طور که می دانیم یکی از حوزه های حساس مرتبط با پولشویی، بانک ها و قوانین و سیستم حاکم بر آن ها است که به عنوان یکی از فعالترین و مهم ترین کنشگران عرضه ی اقتصاد مطرح هستند از این رو ایجاد بانک ها یا موسسات مالی ساختگی می تواند نقش مهمی در کشف جرایم مربوط به پولشویی را ایفا کند به عنوان مثال در

^{۳۷}Bital

^{۳۸}Stinging the launderer

^{۳۹}Stinging the criminal entrepreneur

پرونده ی ماتیسین در کانادا،^۳ مامورین پلیس در نقش پول شو یک شرکت مالی ساختگی به اسم Aroga Financial را به مجرمین معرفی کرده و از آن ها خواسته بودند که از خدمات این شرکت استفاده کنند. هزینه های کارمزد و خدمات شرکت آروگا به قدری بالا بود که مشتری های قانونی را به خود جلب نمی کرد، بلکه مشتریان اصلی این شرکت تنها افرادی بودند که تمایل به شستن عایدات حاصل از فعالیت های مجرمانه خود داشته و حاضر بودند هزینه بیشتری برای خدماتی از این دست پرداخت کنند (Bell, 2001: 333).

۶. دام گستری در جرم اقتصادی رشوه

اصل آزمایش در مورد تمام بندگان خدا، وجود دارد و جای تردیدی نیست؛ چنان که در قرآن می خوانیم (وَ كَتَبْنَا لَكُمْ فِيهِ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۵۵) قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها آزمایش می کنیم و به استقامت کنندگان بشارت ده. تسهیل جرایم توسط پلیس مخفی انواع مختلفی دارد از جمله ی این موارد آزمایش تصادفی فضیلت (Bronitt, 2004: 37) است در واقع مهم ترین تله ای که برای کشف جرم اقتصادی رشوه بکار برده می شود همین آزمون های صداقت تصادفی می باشد.

فرض کنید شما قصد تخریب یک دیوار را دارید این دیوار در برابر مقدار ضربه ای که وارد می کنید مسلماً نوعی مقاومت از خود نشان می دهد اما هر چه قدر ضربه ها محکم تر باشند فرو ریختگی آن دیوار حتمی است. انسان هم از این قاعده مستثنی نیست نمی توان از انسان در برابر وسوسه های رنگارنگ انتظار معجزه داشت، انسان در برابر وسوسه ها هم تا حدودی شاید بتواند از خود مقاومتی معقول^۴ نشان دهد اما با مداومت در ارائه ی وسوسه ها، به یقین، انسان، تسلیم و وسوسه ها خواهد شد. در داستان حضرت یوسف (ع) ذلیخا قصد یوسف کرد و یوسف نیز قصد او را کرد اگر ندیده بود برهان پروردگار خویش را (رسولی محلاتی، ۱۳۶۱: ۲۶۰) خدای سبحان در این مواقع حساس اولیاء خود و افراد با تقوایی چون یوسف (ع) را یاری می کند و پاکی آن ها را آشکار ساخته و از آلودگی و اتهام حفظشان می کند. (رسولی محلاتی، ۱۳۶۱: ۲۶۴) این مقاومت تنها از آن اولیای الهی بوده و از افراد عادی، نمی توان انتظار داشت که از این نوع مقاومت خارق العاده بر خوردار باشند. این امکان برای پلیس فراهم آمده تا با بهره گیری آزادانه از منابع نامحدود دولتی و وسوسه های غیر قابل مقاومت، افراد از همه جا بی خبری را که شاید در حالت عادی هرگز مرتکب جرمی نشوند به ارتکاب اعمال مجرمانه فریب دهد. بدین جهت در برخی کشورها برای اجرای عملیات های وسوسه شرایط سخت گیرانه ای در پیش گرفته شده است چین از جمله ی این کشورهاست برابر قانون آیین دادرسی کیفری چین جهت اجرای عملیات های وسوسه باید محدودیت های سخت گیرانه ای تصویب و مقررات خاصی می بایست اعمال گردد بگونه ای که طرف درگیر در این گونه عملیات ها باید مورد سوء ظن جدی بوده یا اظهاری سریع بر ارتکاب جرم داشته باشد. در این کشور با توجه به خصوصیات پرونده های پولشویی، سازمان تحقیق می تواند از طریق تشریفات خاص قانونی، در یک زمان مناسب، ابزار تحقیق و وسوسه را اعمال نماید. بدین ترتیب افراد نباید مورد آزمایش و تست تصادفی صداقت قرار گیرند از جمله عملیات هایی که در آن پلیس اقدام به تست فضیلت افراد نمود عملیات عبسگم است این عملیات یکی از برجسته ترین و بحث برانگیز ترین عملیات های مخفی است که به اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ میلادی برمی گردد (Anello, Glaser, 2016: 57) در این عملیات نمایندگان کنگره آمریکا و دیگران به دریافت رشوه ترغیب شدند (Braithwaite, Fisse,

^۳Canadian case of R v Matthiessen

^۴Reasonable firmness

^۵extraordinary firmness

^۶Random honesty

(Geis, 1987:6) در واقع این عملیات از جمله عملیات های مخفی و یکی از عملیات های محرک پلیس FBI است (REIMER, 2011:163) که نوعی آزمایش صداقت بوده و برای ریشه کن نمودن فساد سیاسی و اقتصادی طراحی شده بود. (WACHTEL, 1992:143) از آن جا که رشوه یک جرم مخفی و نامرئی است همین امر، موجب به کارگیری عملیات عسکم علیه سیاستمداران شد (Braithwaite, Fisse, Geis, 1987:25) مامورین FBI، با کمک واینبرگ،^{۴۲} از کلاهبرداران بدنام و پرآوازه که قبلاً به اتهام کلاهبرداری پستی محکوم شده بود، خود را به عنوان نمایندگان قانونی دو شیخ ثروتمند عرب جا زد. این طور که پیداست شیخ های عرب قصد داشتند به ایالات متحده مهاجرت کرده و در زمینه املاک و مستغلات و چند تجارت دیگر سرمایه گذاری کنند. هدف از انجام این عملیات جذب آن تعداد از مقامات دولتی بود که حاضر بودند به شیخ ها در تحقق برنامه هایشان کمک کرده و در ازای همکاری با آن ها، مبالغ زیادی رشوه دریافت نمایند. نمایندگان شیخ های عرب ابتدائاً موفق شدند توجه آنجولو اریکتی،^{۴۳} سیاستمداری اهل نیو جرسی که مدعی بود افراد زیادی را از میان تبهکاران حرفه ای می شناسد، و هاوارد کرایدن،^{۴۴} از وکلای دادگستری اهل فیلادلفیا که به دنبال تامین منابع مالی برای راه اندازی مرکز قمار در آتلانتیک سیتی^{۴۵} می گشت، به خود جلب کنند. این دو پس از اطلاع از قصد شیخ ها برای سرمایه گذاری در امریکا، "اتحادی را شکل دادند" تا از این طریق بتوانند آن تعداد از مقامات رسمی را که حاضر بودند از جانب شیوخ عرب بر دیگر مسئولین دولتی تاثیر بگذارند، به سوی خود بکشانند. اتحاد میان اریکتی و کرایدن بسیار اثربخش به نظر می رسید. دو نماینده پنسیلوانیا در کنگره امریکا، مایکل مایرز و ریموند لیدر، هر یک مبلغ ۵۰ هزار دلار را به آسانی و با کمترین تلاش پذیرفتند. جان مورفی، نماینده نیویورک در کنگره، کیفی حاوی ۵۰ هزار دلار را به عنوان رشوه دریافت نمود و در جریان مذاکراتی متعهد شد تا در ازای همکاری با شیوخ عرب در موضوعات مهاجرتی، مبلغی را نیز به عنوان هزینه راه اندازی کسب و کاری آزاد دریافت کند. همکار مورفی، فرانک تامپسون، نماینده کنگره از نیو جرسی، در نخستین ملاقات با شیخ، پیشنهاد دریافت ۵۰ هزار دلار را رد می کند؛ اما در دیدار دوم، تامپسون کیفی حاوی مبلغ مذکور را از مامورین قبول می کند. مامورین FBI به این نتیجه رسیدند که تقاضای رفتار مفسدانه از سناتور هریسون ویلیامز از نیو جرسی و ریچارد کلی، نماینده فلوریدا در کنگره، از آن چیزی که به نظر می رسیده چالش برانگیز تر است. شیوخ عرب در طول مدت یک سال، دست کم هفت بار با سناتور ویلیامز دیدار داشتند. شیخ ها به سناتور پیشنهاد دادند تا در قبال کمک مالی برای راه اندازی کسب و کاری شخصی، با آن ها برای عقد قراردادهای دولتی برای کسب و کار مذکور همکاری کند. ویلیامز مکرراً بر این موضع پافشاری می کرد که تمایلی به سوء استفاده از اختیارات دولتی خود به منظور تسهیل در انجام مراودات مالی خصوصی ندارد، و پیشنهاد پنهان کردن سود حاصل از کسب و کار مورد نظر از سازمان خدمات درآمد داخلی امریکا (IRS) را نپذیرفت. با این وجود، در جریان آخرین دیدار، ویلیامز سرانجام به پیشنهاد مامورین تن داد. عدم تمایل نماینده ی کنگره، ریچارد کلی،^{۴۶} به قبول رشوه یکی دیگر از چالش هایی بود که در برابر مامورین FBI قرار داشت. گرچه واینبرگ از طریق یکی از آشنایان مطلع شده بود که احتمال دارد کلی حاضر شود در ازای دریافت رشوه به شیخ ها در رسیدن به اهدافشان کمک کند، اما با این حال کلی در ابتدا از قبول پیشنهاد مامورین سر باز می زد. در دیدار دوم، پس از هشدار به مامورین در این باره که کلی هیچ پولی را قبول نمی کند، کلی مجدداً می گوید که "نقشی در" زد و بند های مالی در خصوص موضوعات مهاجرتی ایفا

^{۴۲}Weinberg

^{۴۳}Angelo Errichetti

^{۴۴}Howard Criden

^{۴۵}Atlantic City

^{۴۶}Senator Williams

^{۴۷}Richard Kelly's

نخواهد کرد. با این وجود، پس از اصرار مامورین نهایتاً کلی حاضر می شود مبلغ ۲۵ هزار دلار را بپذیرد. یکی دیگر از موارد استفاده ی FBI از عملیات عبسکم، تحقیق درباره فساد محلی در فیلادلفیا بود. به منظور اجرای این مرحله از عملیات، واینبرگ به کرایدن^۴ اطلاع می دهد که شیخ قصد ساخت یک مجموعه هتل مجلل را در شهر دارد به شرطی که، بر مبنای الگوی کلیشه ای "ذهن عرب" که در تمام طول تحقیقات جریان داشت، "تضمین آشنایی با مقامات دولتی پر نفوذ و تاثیرگذار به او داده شود". کرایدن بر اساس وظیفه ای که بر عهده داشت دیدارهایی را میان "نمایندگان" شیخ و جرج شوارتس^۵ و هری جانوتی^۶، به ترتیب رئیس و رهبر اکثریت شورای شهر فیلادلفیا، ترتیب می دهد. در دیدارهایی جداگانه با شوارتس و جانوتی، ماموری مخفی که وانمود می کرد نماینده ی تام الاختیار شیخ است بارها از آن دو تضمین می خواهد که پروژه احداث هتل با "مشکل" مواجه نشود. در واکنش به این درخواست، هم شوارتس و هم جانوتی مکرراً تاکید کردند که اگر پروژه مذکور قانونی و برای شهر مفید باشد، حمایت آن ها را در پی خواهد داشت. در خاتمه ی دیدار، شوارتس و جانوتی به ترتیب مبلغ ۳۰ هزار و ۱۰ هزار دلار دریافت کردند. معمولاً عملیات های نیش مخفی یا تله گذاری برای دستگیری جنایتکارانی که قبلاً مرتکب یک جنایت شده یا در حال انجام یک جنایت هستند صورت می گیرد اما در عملیات عبسکم چنین مشخصه ای وجود نداشت (Jessica Carolyn Hills, 2012:45) وقتی پلیس از فریب برای حفظ صلح یا دستگیری افراد تحت تعقیب استفاده می کند، ظاهراً این اقدام درست به نظر می رسد. (JULIUS WACHTEL, 1992:139) زیرا عملیات های مخفی باید شرایطی را ایجاد کند که افراد درگیر در فعالیت های مجرمانه را به دام بیناندازد (JACQUELINE ROSS, 2014:381) اما در عملیات عبسکم هیچ ظنی دائر بر مجرم بودن قربانیان این عملیات وجود نداشت. باید توجه داشت که آفتاب برای همیشه در ابر پنهان نمی ماند و از انظار جهانیان پوشیده نمی شود، حق و حقیقت نیز چنین است و پیوسته در پرده مستور نخواهد ماند و سرانجام روزی جلوه گر شده و چنانکه هست آفتابی می گردد. (عدنان زاغی افرا پلی، ۱۳۹۹:۶۸) عملیات مارالبیان نیز از این قاعده مستثنی نیست این عملیات در نگاه اول شاید بهترین مورد برای بازگرداندن ایمان عمومی به مردم به نظر می رسد زیرا ظاهر بر آن بود که پلیس، بازرگانان و سیاستمداران فاسد را گرفتار کرده است، بنابراین در ابتدا مردم با آن موافقت کردند اما با ظهور جزئیات بیشتر، ایده های مردم تغییر کرد (Jessica Carolyn Hills, 2012:8) در نتیجه ی اجرای عملیات عبسکم، مجموعاً برای بیست و پنج تن، شامل یک سناتور امریکایی، شش عضو کنگره ایالات متحده، و دیگر مقامات رسمی و وکلای دادگستری به جرم ارتکاب اعمال مفسدانه از سوی هیئت های منصفه عالی فدرال در نیویورک، فیلادلفیا، و واشینگتن دی. سی. درخواست صدور کیفرخواست شد. قضات مدبر هر یک به گونه ای کاملاً متفاوت به موضوعات حقوقی برخاسته از پرونده های عبسکم نگریده اند. اگرچه تعداد اندکی از متهمین در جلسات محاکمه به دفاعیه ذهنی دام گستری استناد کردند، با این حال تمامی آن ها مدعی نقض حقوق شهروندی خود به موجب قانون اساسی از سوی دولت و بر مبنای نظریه عینی دام گستری شدند. بسیاری از قضات تمایلی به محکوم کردن انتخاب های بازوی اجرایی دولت در حیطه ی اختیاراتش نداشته و در عوض تصمیم به رد ادعاهای متهمین عبسکم گرفتند. دیگر قضات به دلیل روش های مورد استفاده از سوی دولت، به شدت به آن تاختند. این تضاد عقاید نشان از پیامد های ناگوار دکترینی دارد که ناتوان از بستن دست دولت در سوء استفاده از ابزارهای تحقیقی است. در واقع قضات رسیدگی کننده به پرونده های عبسکم در دودسته ی کاملاً متفاوت از هم قرار گرفتند برخی قضات رسیدگی کننده به این پرونده ها معتقد بودند رفتار پلیس در این عملیات ها کاملاً قانونی بوده و دسته ای دیگر رفتارهای پلیس را کاملاً غیر قانونی و غیر قابل پذیرش می دانستند در ادامه به تفکیک هر یک از این موضع گیری ها خواهیم پرداخت.

^۴Criden

^۵George Schwart

^۶Harry Jannotti

۱,۶ قانونی بودن رفتار دولت

قضات در دو پرونده ایالات متحده علیه مایرز^{۱۵} و ایالات متحده علیه ویلیامز^{۱۶} معتقد بودند رفتار دولت در کشف جرم رشوه کاملاً مبتنی بر قانون بوده است و اساساً خللی بر رفتارهای دولت، وارد نیست.

۱,۶,۱ ایالات متحده علیه مایرز (عدم نیاز دولت برای اثبات سوء ظن و توانایی نه گفتن به محرک ها)

در درخواست های پس از محاکمه برای لغو احکام محکومیت خود، متهمین مایرز، لدرر، تامپسون، مورفی، اریکتی، و کرایدن، از جرج پرت، قاضی ناحیه شرقی نیویورک، تقاضا کردند تا معیار عینی دام گستره را برای ارزیابی رفتار دولت در دستور کار قرار دهد. از سوی دیگر، متهمین یاد شده از قاضی درخواست استناد به معیار دادرسی عادلانه را داشته، با این ادعا که ماهیت افراط کارانه و تجاوز گرانه ی عملیات مورد نظر، "امکان استناد به فرآیند دادرسی قضایی جهت حصول محکومیت متهمین را"، به عنوان اصلی از اصول دادرسی عادلانه، "از دولت گرفته است". چرا که رسیدگی به اتهام های کیفری نیازمند یک دادرسی عادلانه است که مستلزم یک دادرسی از پیش تعیین شده و یک سلسله شروط اساسی است. (کاشانی، ۲۰۱۳:۱۳۸۳) قاضی پرت هر دو پیشنهاد بالا را رد نمود. نظر پرت این بود که برای پیاده سازی تحقیقاتی در مقیاس عبسکم، دولت نیازی به داشتن مبنایی واقعی برای اثبات دست کم نوعی سوء ظن نسبت به فعالیت های مجرمانه اهداف ندارد. وی همچنین از تمرکز بر روش های خاص بکار گرفته شده برای درخواست جرم از نمایندگان کنگره نیز خودداری نمود، زیرا به باور پرت، متهمین "به راحتی می توانستند به پیشنهادات جواب منفی بدهند" و از زیر بار مسئولیت کیفری شانه خالی کنند. به طور مشخص، پرت با این عقیده مخالف بود که محرک های پیشنهاد شده از طرف دولت بیش از اندازه و سوسه کننده بودند، با این استدلال که "صرف نظر از این که مبلغ پیشنهاد شده به عنوان رشوه یا پاداش به مقامی دولتی تا چه حد زیاد باشد، هر مقامی که چنین پولی را بپذیرد مستحق مجازات است". چرا که به قول حافظ کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم (حافظ شیرازی، ۱۳۹۹:۴۰۸) علاوه بر این، این افراد که دارندگان مناصب عمومی و ذینفعان اولیه نظام اقتصادی بوده باید تعهد ویژه ای برای اطاعت از قانون و مقاومت در برابر و سوسه ها را داشته باشند، در واقع اینان دارای مزایای بیشتری نسبت به دیگر افراد بوده و به همین جهت دارای نوعی مسئولیت اضافی هستند (Braithwaite, Fisse, Geis, 1987:28) اما در پاسخ به این دسته از افراد باید گفت شاید بتوان از افراد برخوردار از مقاومت معقول انتظار داشت که در برابر میل شدید به قانون شکنی برای یک بار، دو بار یا حتی سه بار مقاومت کنند، حتی اگر این و سوسه ها به صورت پی در پی و با فاصله ی زمانی کوتاه ظاهر شوند و افراد نیز قادر نباشند برای پرهیز از این امیال یا ارضای آن ها بدون توسل به قانون شکنی کار چندانی انجام دهند. اما آیا بالاخره موقعیتی پیش نخواهد آمد که تداوم به رعایت خویشتن داری به چیزی بیش از مقاومت معقول نیازمند باشد - چیزی شبیه به نوعی مقاومت خارق العاده یا آن نوعی از خویشتن داری که می توان از یک قدیس انتظار داشت؟ (Lippke, 2014:86) البته در پشت ظاهر حمایت پرت از اقدامات دولت، نگرانی زیاد او نسبت به خطر افتادن منافع عمومی نهفته بود. به گفته ی پرت، خطر ناشی از فساد دولتی برای جامعه از هر دشمن بیگانه ای جدی تر است: لازم است که دولت سلاح هایی همچون عملیات های مخفی، نفوذ در میان رشوه دهندگان، و عملیات های "نیش" نظیر عبسکم را در دسترس داشته باشد تا با بهره گیری از آن ها بتواند نقاب از چهره ی مقامات فاسد بردارد، آن هایی را که ممکن است به فساد و سوسه شوند از این تصمیم منصرف سازد، و شاید مهم تر از همه، با کمک این نمونه های منفی، مسئولین صادق و درستکار را مورد

^{۱۵}United States v. Myers

^{۱۶}United States v. Williams

تمجید و ستایش قرار دهد. اما به نظر می رسد دادگاه استیناف حوزه دوم ایالات متحده، محکومیت متهمین پرونده ی مایرز را تایید کرده و بر احکام صادره از سوی دادگاه ناحیه ای صحنه نهاد.

۶,۱,۲ ایالات متحده علیه ویلیامز (عدم نیاز به اثبات استعداد جنایی به واسطه ی قرار گرفتن در مناصب دولتی)

سناتور هریسون پی ویلیامز، اولین هدف عملیات عبسکم بود (Biggs,2014:256) او در جلسه محاکمه ی خود، با استناد به دفاعیه ذهنی دام گستری مدعی می شود که مستعد قبول رشوه پیشنهادی از سوی مامورین دولت نبوده است. شاید مستدل ترین ادله ی ویلیامز برای اثبات این موضوع را بتوان در یکی از یادداشت های داخلی FBI جستجو کرد که نشان می داد پرونده ی دولت علیه ویلیامز ناقص بوده و این که جهت صدور کیفرخواست برای متهم، نیاز به جمع آوری مدارک بیشتر در خصوص استعداد مجرمانه ی وی بوده است. با این حال، هیئت منصفه از توضیحات متهم قانع نشده و ویلیامز را به جرم اتهامات وارده گناهکار تشخیص داد. قاضی پرت درخواست پس از محاکمه ی ویلیامز برای لغو محکومیت خود را نپذیرفت، و به این نتیجه رسید که با وجود عدم "قطعیت" مدارک، ادله موجود برای تایید تصمیم هیئت منصفه کافی بوده است. بنابر نظر دادگاه، "صرفا به این خاطر که برخی کارکنان دولت آن چنان که باید و شاید تحت تاثیر قوام پرونده ی ویلیامز تا تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹ قرار نگرفته اند"، مانع از این نخواهد شد که دولت "کفایت مدارک خود را جهت اعلام جرم علیه متهمین در برابر هیئت منصفه ای عالی، یا متقاعد نمودن هیئت منصفه ای کوچک تر نسبت به گناهکاری متهم فراتر از تردیدی معقول، نیازماید".

۶,۲ غیر قانونی بودن رفتار دولت

در دو پرونده ی ایالات متحده علیه کلی و ایالات متحده علیه جانوتی قضات بر این عقیده بودند که پلیس برای انجام عملیات مخفی باید سوء ظنی معقول داشته و بدون وجود سوء ظن هیچ گونه عملیاتی از سوی پلیس پذیرفته نیست علاوه بر این دولت نباید ایده پرداز و آغازگر جرم باشد.

۶,۲,۱ ایالات متحده علیه کلی (نیاز به اثبات سوء ظن از سوی دولت)

گفته شده قبل از بکارگیری دام گستری برای هدف، باید نوعی گمان معقول^۴ وجود داشته باشد. به عبارتی شرطی که صراحتا در زمینه ی مواضع موجود بر سر موضوع دام گستری قید می شود می بایست این باشد که افراد هدف گرفته شده توسط مقامات قضایی باید از پیش در انجام فعالیت های مجرمانه مشارکت داشته یا به طور معقولی به مشارکت آن ها در چنین فعالیت هایی گمان برود. (Roibu,2014:95) در نقطه مقابل نگرش ملایم قاضی پرت نسبت به درستی روش های مورد استفاده دولت در عملیات عبسکم، تصمیم قاضی ویلیام براینْت از واشینگتن دی. سی. برای لغو حکم محکومیت هیئت منصفه برای نماینده ی کنگره، کلی، قرار می گیرد. با وجود تصدیق قاضی براینْت از نیاز به اجرای تحقیقات مخفی به منظور کشف جرم، وی تمایلی به آزاد گذاشتن دست دولت در راه دستیابی به این هدف نداشت. بر طبق نظر براینْت، دولت بدون در اختیار داشتن "کمترین سوء ظن" نسبت به هر گونه فعالیت مجرمانه در گذشته، حال، یا آینده از سوی متهم، کلی را آماج عملیات عبسکم قرار داده بود. دادن قدرت و اختیارات قانونی به دولت برای انجام عملیات، آن هم تحت چنین شرایطی، احتمال بروز رفتارهای نامطلوب از سوی مقامات دولتی را به شدت افزایش خواهد داد؛ براینْت نبود مبنایی حقیقی را دلیل کافی "برای غیر قانونی دانستن رفتار دولت" می دانست. اما ناخشنودی براینْت تنها به همین جا ختم نشد. به گفته ی

^۴Reasonable suspicion

براینت، پس از این که کلی گفت "من نقشی ندارم" و رشوه را نپذیرفت، "امتحان کلی باید همان جا به پایان می رسید". برایت توضیح می دهد که "دنبال گیری و فشار بیشتر از طرف مامورین دولت بر کلی واقعا ظالمانه و وحشتناک بود. فردی را که سوء ظنی نسبت به او وجود ندارد باید با تکیه بر سربلندی در نخستین پیکار با و سوسه ها از هر گونه امتحان بیشتر معاف کرد. نمی توان از چنین فردی انتظار داشت که در جنگی طولانی و فرسایشی علیه حيله گری و فریب کاری دولت، برنده از میدان خارج شود". چرا که هیچ کس به طور کامل در برابر وسوسه های اغوا کننده در امان نیست (Gershman, 1983: 168)

۲,۲,۶ ایالات متحده علیه جانتونی (دولت ایده پرداز و آغازگر جرم پرداخت رشوه)

هری جانتونی نماینده شورای شهر فیلادفیا بود که نمایندگان شیوخ عرب سرمایه قابل توجهی در منطقه نماینده به او ارائه داده و از او خواستند که ۱۰ هزار پول نقد بگیرد (Biggs, 2014: 254) جان فولام، قاضی ناحیه شرقی پنسیلوانیا، در لغو احکام محکومیت هیئت منصفه برای مسئولین شهری فیلادلفیا، جانوتی و شوارتس،^۵ نگرانی های مشابهی را ابراز می کند. فولام تحلیل خود را در چارچوب مدل استاندارد ذهنی دام گسترده آغاز می نماید. بر مبنای مدارک دولتی، این مامورین بودند که ایده ی پرداخت رشوه را برای نخستین بار مطرح کرده و تاکید نمودند که اگر جانوتی و شوارتس از قبول پیشنهاد شیخ امتناع ورزند، پروژه ساخت هتل متوقف خواهد شد. با توجه به مدارک و شواهد موجود، قاضی فولام به این نتیجه دست یافت که هیچ گونه مبنای حقیقی برای اثبات استعداد جانوتی و شوارتس برای ارتکاب جرم مورد بحث وجود ندارد. نتیجتاً، قاضی حکم به در دام افتادن متهمین به عنوان امری حکمی داده و جانوتی و شوارتس را "بی گناه" تشخیص می دهد. راه اندازی یک شرکت تجاری ساختگی، اشاره به این که هر نوع پیشنهاد مفسدانه ای با آغوش باز پذیرفته می شود، و حتی پیشقدم شدن در طرح رشوه در ارتباط با فعالیت های جاری و مفسدانه ی مشکوک - همگی این ها مجاز هستند. اما به عقیده ی فولام، "یقیناً در حیطه ی اختیارات قانونی مامورین فدرال نیست که اقدام به کشاندن مقامات شهری به سوی فساد و فعالیت های مفسدانه کنند، آن هم تنها به این خاطر که نشان دهند چنین کاری شدنی است". قاضی فولام به این نتیجه رسید که مشوق های "بسیار سخاوتمندانه" ای به متهمین پیشنهاد شده بود، از متهمین خواسته نشده بود که در ازای قبول آن مشوق در فعالیتی مفسدانه مشارکت کنند، و گذشته از همه، به نوعی وظیفه شهروندی خود می دانستند که این پیشنهاد را بپذیرند. بنابر این، از طریق تحریک متهمین به کمک مشوق هایی که "به طرزی حساب شده برای تحت تاثیر قرار دادن" آن دو در نظر گرفته شده بودند، مامورین دولت با سوء نیت عمل کرده، نه به دنبال کشف جرم بلکه در صدد ترویج آن بوده اند. چنین رفتاری ناقض حق دادرسی عادلانه ی متهمین محسوب شده و مستلزم لغو احکام محکومیت صادره از سوی هیئت منصفه می باشد. دادگاه استیناف حوزه سوم ایالات متحده، در جریان جلسه ی هیئت عمومی قضات، با برگرداندن رای قاضی فولام، احکام صادره از سوی هیئت منصفه را تایید می کند. دادگاه، وجود دام گسترده را به عنوان امری حکمی رد کرده و به این نتیجه می رسد که تصمیم اعضای هیئت منصفه در اثبات وجود استعداد مجرمانه در متهمین صرفاً بر مبنای قبول رشوه، حتی اگر خود شخصاً آغازگر آن نبوده باشند، تصمیم درستی بوده است. همچنین اکثریت قضات دادگاه رای به فسخ آراء دادگاه بدوی در خصوص حق دادرسی عادلانه ی متهمین داده و در برابر نقش نظارتی نظام قضایی در کنترل سوء استفاده از روش های تحقیقی هشدار دادند. به موجب این هشدار، "بهتر است رفتار مامورین بازوی اجرایی دولت که باید از افراد جامعه در برابر جرم و جنایت صیانت کنند از دریچه ی جریان سیاسی ای، که به واسطه ی آن می توان دیدگاه

^۵John Fullam

^۶Jannotti

^۷Schwartz

های مخالف را در صندوق های آراء انعکاس داد، مورد نقد و بررسی قرار داده شود." دو تن از قضات دادگاه قویاً مخالفت خود را با نظر بالا اعلام کردند. بر طبق نظر این دو، نظام قضایی نباید "از زیر بار مسئولیت" نظارت بر رفتارهای غیر مجاز و نامشروع دولت "شانه خالی کند". آن ها دعای جانوتی و شوارتس را "نمونه هایی کلاسیک از نوعی از دام گستری که جامعه ما بر محکوم کردن آن تاکید دارد" شمرده و به مقایسه ی میان روش های مورد استفاده از سوی مامورین فدرال با شگرد های گشتاپو و دیگر سازمان های پلیس مخفی پرداختند. آن ها که به وضوح به این باور رسیده بودند که جانوتی و شوارتس تحت تاثیر تحریکات دولت به قبول رشوه ترغیب شده اند، این طور استدلال می کنند که دولت از ارائه مدارک لازم برای رد ادعای دام گستری متهمین و اثبات استعداد مجرمانه ی آن ها ناتوان بوده است. بنابراین باید توجه داشت یکی از زمینه های اجتماعی جرم که محیط را به تبانی می کشاند، تشویق مجرم است، تشویق به مجرم انگیزه ی بیشتری می دهد و او را مشتاق و حریص تر به ارتکاب جرم می کند (محمد رضا روز بهانی، علیرضا کاوند بروجردی، ۱۳۹۵:۵۳). به عبارت دیگر جدا از موضوع استعداد جرم، مساله ی تحریک یا تشویق به ارتکاب جرم پیش می آید. در واقع تحریکات از جمله اوضاع و احوال ماقبل بزهکاری که در وقوع جرم موثرند (امیر پاک نهاد، ۱۳۹۴:۲۵۸) با توجه به اینکه در هر کس تمایلات خرابکارانه، موجود است (اروین، ۱۳۹۸:۱۳۴) بدین ترتیب، پیشنهادات پیاپی، مبالغ سرسام آور پول و توسل به عواطف یا وظیفه شهروندی افراد می تواند فردی با قوام شخصیتی نه چندان بالا را در موقعیتی خطرناک و درد سر ساز گرفتار کند. این که آیا محرک های پیشنهادی در جریان عملیات عبسکم به اندازه ای قوی بوده اند که امکان رسیدن به قضاوتی منصفانه و آگاهانه را در این باره که متهم هدفی از پیش تعیین شده برای ارتکاب جرم داشته و تنها دلیلش برای انتخاب این فرصت، محقق نمودن آن هدف بوده است، فراهم سازند، موضوعی است که بسیار جای بحث دارد. بنابراین نباید به پلیس اجازه داده شود که خود سرانه افراد را هدف قرار دهد زیرا این مورد می تواند نمونه ای ناپسند از تاکتیک های پلیس مخفی باشد. (Braithwaite, Fisse, Geis, 1987:9) محرک های افراطی به کار گرفته شده در جریان عملیات عبسکم هنگامی زنده تر و ناخوشایند تر به نظر می رسند که به روش های مورد استفاده دولت برای انتخاب اهداف مورد نظر عملیات نگاهی بیاندازیم. پیش از آغاز تحقیقات، دولت فاقد هر گونه مبنای حقیقی بود تا بر اساس آن بتواند دلیلی برای مظنون بودن به مقامات رسمی برای مشارکت در فعالیت های مجرمانه در اختیار داشته باشد. وجود هر نوع توجیه مبتنی بر واقعیت – شاید نه حتی در حد دلیلی محتمل یا سوء ظنی معقول – نشان می داد که دولت دارد از منابع محدود در اختیار خود به درستی و نه به طور قراردادی استفاده می کند، و محرک های پیشنهادی را تنها متوجه افرادی می دارد که یا از پیش به مشارکت در جرم تمایل نشان داده اند، یا در زمان شروع عملیات درگیر ارتکاب جرم بوده یا قصد دارند در آینده اقدام به ارتکاب جرم نمایند. طبیعتاً نبود هر گونه مبنای حقیقی، علامت سوال هایی را در خصوص حسن نیت این گونه روش های اعمال قانون در ذهن به وجود می آورد.

نتیجه گیری

جرایم اقتصادی یکی از حساس ترین مشکلات دنیای امروز هستند. این جرایم با خساراتی هنگفت برای جامعه همراه بوده و علاوه بر تضعیف دولت، می تواند منجر به وارد آمدن آسیب های جسمی، مادی و روحی به شهروندان شود. از این رو مبارزه با این دسته از جرایم در اولویت قرار داشته و عملیات های مخفی دام گستری و تله گذاری می تواند از جمله ابزار های اساسی در این راه به حساب آید. زیرا جرایم اقتصادی لزوماً از ماهیتی مخفی و پنهان برخوردارند. در نتیجه، شناسایی این دست از مجرمان نیازمند اتکاء فراوان مجریان قانون به نظارت تهاجمی و گسترده یا استفاده از مامورین مخفی به منظور نفوذ به درون چنین تشکیلاتی می باشد جرایم

اقتصادی در غالب موارد جزء جرائم بدون قربانی محسوب می گردد که به واسطه ی پنهانی یا بعضا توافقی بودن این جرایم اغلب کشف آن ها ناممکن است به عبارت بهتر، ماهیت توافقی این گونه جرائم باعث شده بسیار به ندرت پیش بیاید که کسی تصمیم به گزارش آن ها بگیرد و در نتیجه شناسایی این قبیل جرائم نیز دشوار خواهد بود، که همین هم موجب شده نهاد های مجری قانون تا حد زیادی به استفاده از مامورین مخفی، مخبرین پولی، و عملیات های نیش و تله گذاری روی بیاورند. همانگونه که مبرهن است، مقابله با جرایم اقتصادی هزینه هایی را برای حفظ امنیت جامعه، نظام عدالت کیفری، زندانی کردن محکومین، بازگرداندن آن ها به جامعه، و پاره ای دیگر از موارد به دنبال خواهند داشت و این در حالی است که تمامی این هزینه ها از بودجه سالانه ی دولت برداشت می شوند. از این رو لازم است عملیات مخفی دام گستری به نحوی صورت پذیرد که به موجب هدر رفت منابع پلیس نگردد. به عبارتی، هر چند استفاده از دام ها ابزاری مهم به منظور پیش گیری و کشف جرائم است اما هر دامی مثر ثمر نبوده و بی دقتی در طراحی و بکارگیری دام ها و تله های پلیسی هم موجب مسئولیت پلیس شده و هم موجب به تاراج رفتن، بودجه و منابع اعمال قانون خواهد شد بنابراین ارائه معیاری قابل دفاع برای توجیه عملیات مخفی نیش و تله گذاری در جرایم اقتصادی و طبقه بندی کلی دام ها و بیان نقاط نقاط ضعف و قوت هر یک، باعث شناخت هر چه بیشتر دام ها شده و شناخت دام ها نیز، موجب خواهد شد که پلیس، دام ها را به نحوی به کار برده تا مانع اتلاف منابع عملیات های مخفی گردد

منابع

قرآن کریم

- اروین، ادوارد (۱۳۹۸) مقدمه ای بر روانشناسی فروید، ترجمه بهروز سلطانی، انتشارات تهران جامی.
- اعتصامی، پروین (۱۳۸۵) دیوان پروین اعتصامی، چاپ سوم، موسسه انتشارات نگاه.
- باقر زاده، احد (۱۳۹۵) نگرشی تطبیقی بر پولشویی، چاپ سوم، نشر میزان.
- پاک نهاد، امیر (۱۳۹۴) سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ دوم، نشر میزان.
- جلیلی مقدم، مجتبی (۱۳۸۹) بررسی سود گرایی بنام، نشریه معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۹.
- جندلی، منون (۱۳۹۵) درآمدی بر پیشگیری از جرم، ترجمه و تحقیق دکتر شهرام ابراهیمی، نشر میزان.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد بن بهالدین محمد (۱۳۹۹) دیوان حافظ شیرازی، انتشارات پیام عدالت، چاپ نهم.
- حسینی، عباس، موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۳) دفاع دام گستری از مفهوم شناسی تا آثار، مجله حقوقی دادگستری، ۷۵ (۸۵).
- حکیمی سبزواری، ضیاء الحق (۱۳۹۸) دیوان اشعار چاپ اول، نشر متن در متن.
- رستمی، هادی؛ سلیمی، واحد (۱۳۹۴) رویکرد فایده گرانه به مجازات در پرتو نظریه بنام، نشریه اندیشه های حقوق کیفری، ۱ (۱).
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۶۱) تاریخ الانبیاء، انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ سوم.
- روز بهانی، محمد رضا، کاوند بروجردی، علیرضا (۱۳۹۵) پیشگیری از وقوع جرم با رویکردی بر آموزه های دینی، چاپ دوم، انتشارات کتاب آوا.
- زاغی افرا پلی، عدنان (۱۳۹۹) حکایت های بهلول دانا، نشر سپهر اندیشه.
- زراعت، عباس (۱۳۹۵) حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل.
- عبداللهی، افیسن؛ یوسفی مراغه، مهدی (۱۳۹۱) ترس از جرم واکنش در برابر آن، نشریه کارآگاه، ۲ (۲۰).
- کاشانی، محمود (۱۳۸۳) استانداردهای جهانی دادگستری، چاپ اول، نشر میزان.
- مارش، یان؛ ملویل، گینور؛ مورگان، کیت؛ نوریس، گارت؛ والکینگتن، زئو (۱۳۹۳) نظریه های جرم، ترجمه دکتر حمید رضا ملک محمدی، نشر میزان.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۳) دوره حقوق جزای عمومی - پدیده جنایی، جلد دوم، انتشارات گنج دانش.
- محمودی جانکی، فیروز؛ آقایی، سارا (۱۳۸۷) بررسی نظریه بازدارندگی مجازات، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸ (۲).
- معیری، رهی (۱۳۸۵) دیوان کامل رهی معیری، گردآوری و تنظیم: حسن چابک، انتشارات همیشه.
- مقیم، مهدی (۱۳۸۶) دام گستری در کشف جرم، فصلنامه دانش انتظامی، ۹ (۳).
- میر سعیدی، سید منصور، زمانی، محمود (۱۳۹۲) جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه، پژوهش حقوق کیفری، ۲ (۴).
- الهام، غلامحسین؛ گلدوزیان، حسین (۱۳۹۲) تحلیل مفهوم و شرایط تحقق دام گستری با رویکردی تطبیقی در حقوق کیفری آمریکا و ایران، پژوهش حقوق کیفری، ۲ (۴).
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳) حقوق کیفری اقتصادی جلد دوم - جرایم علیه امنیت اقتصادی، چاپ اول، انتشارات جنگل.
- البت، کاترین؛ کوئین، فرانسیس (۱۳۹۳) حقوق جزا، ترجمه آوا واحدی نوایی و نسترن غضنفری، نشر میزان.

یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۴) دام گستری، مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران، نشریه فقه و حقوق (۶).

Abdullah, W. N., & Said, R. (2019). Audit and risk committee in financial crime prevention. *Journal of Financial Crime*.

Anello, R. J., & Glaser, M. L. (2016). White Collar Crime. *Fordham L. Rev.*, 85, 39.

Bell, R. E. (2001). Undercover Sting Operations in Money-Laundering Cases. *Journal of Money Laundering Control*.

Belousova, S. V. (2016). Economic crimes: trends and ways to overcome them (with the Irkutsk Oblast as an example). *Problems of economic transition*, 58(7-9), 776-793.

Biggs, H. (2014). Suppuration of Powers: Abscam, Entrapment and the Politics of Expulsion. *Legis. & Pol'y Brief*, 6, 248.

Braithwaite, J., Fisse, B., & Geis, G. (1987). Covert facilitation and crime: Restoring balance to the entrapment debate. *Journal of Social Issues*, 43(3), 5-41.

Bronitt, S. (2004). The law in undercover policing: A comparative study of entrapment and covert interviewing in Australia, Canada and Europe. *Common Law World Review*, 33(1), 35-80.

Constantinou, A. G. (2017). Harming the very people whom the law is seeking to protect? The nexus between international, European Union and domestic law on human trafficking and undercover police operations. *New Journal of European Criminal Law*, 8(4), 476-495.

Ferragut, S. (2012). Organized crime, illicit drugs and money laundering: the United States and Mexico. *International Security Programme Paper*, 1, 1-30.

Gershman, B. L. (1981). Abscam, the Judiciary, and the Ethics of Entrapment. *Yale LJ*, 91, 1565.

-Gershman, B. L. (1983). Toward a Common Law for Undercover Investigations-A Book Review of *ABSCAM Ethics: Moral Issues and Deception in Law Enforcement*.

Görlitz, F., Hubert, J., Kucher, J., Scheffer, M., & Wieser, P. (2019). "Tatprovokation"-The Legal Issue of Entrapment in Germany and Possible Solutions. *German Law Journal*, 20(4), 496-509.

Gottschalk, P. (2010). A contingent approach to policing organized crime. *Criminal Justice Studies*, 23(1), 21-31.

Hart, C. L. (2014). Money Laundering. *Am. Crim. L. Rev.*, 51, 1449.

Hay, B. (2005). Sting operations, undercover agents, and entrapment. *Mo. L. Rev.*, 70, 387.

Hills, J. (2012). "*Larceny in My Heart*": *The Abscam Political Scandal, 1978-1983* (Doctoral dissertation).

Ho, H. L. (2011). State entrapment. *Legal Studies*, 31(1), 71-95.

- Lippke, R. L. (2014). Chronic temptation, reasonable firmness and the criminal law. *Oxford Journal of Legal Studies*, 34(1), 75-96.
- Marcus, P. (1986). The Development of Entrapment Law. *Wayne L. Rev.*, 33, 5.
- McAdams, R. H. (2007). Reforming Entrapment Doctrine in United States v. Hollingsworth. *U. Chi. L. Rev.*, 74, 1795.
- Nazri, S. N. F. S. M., Zolkafli, S., & Omar, N. (2019). Mitigating financial leakages through effective money laundering investigation. *Managerial Auditing Journal*.
- Parry, H., & Hunt, S. S. (1994). Undercover Operations and White Collar Crime. *Journal of Financial Crime*.
- Reimer, N. L., & Wayne, L. M. (2011). From the Practitioners' Perch: How Mandatory Minimum Sentences and the Prosecution's Unfettered Control over Sentence Reductions for Cooperation Subvert Justice and Exacerbate Racial Disparity. *U. Pa. L. Rev. PENNumbra*, 160, 159.
- Roibu, M. (2014). Entrapment in Case of Corruption Offenses-Breach of the Right to a Fair Trial. *JE-Eur. Crim. L.*, 93.
- Ross, J. (2014). Anti-Terror Stings and Human Subjects Research: The Implications of the Analogy for Notions of Entrapment and for the Pursuit of Strategic Deterrence. *NYUJ Int'l L. & Pol.*, 47, 379.
- Ross, J. E. (2008). Undercover policing and the shifting terms of scholarly debate: The United States and Europe in counterpoint. *Annual Review of Law and Social Science*, 4, 239-273.
- Ross, J. E. (2014). Undercover policing and the varieties of regulatory approaches in the United States. *The American Journal of Comparative Law*, 62(suppl_1), 673-683.
- Saddiq, S. A., & Bakar, A. S. A. (2019). Impact of economic and financial crimes on economic growth in emerging and developing countries: A systematic review. *Journal of Financial Crime*.
- Sennewald, C. A., & Tsukayama, J. (2014). *The process of investigation: Concepts and strategies for investigators in the private sector*. Butterworth-Heinemann.
- Štarienė, L. (2009). The limits of the use of undercover agents and the right to a fair trial under article 6 (1) of the European convention on human rights.
- Swanepoel, A. P., & Meiring, J. (2018). Adequacy of law enforcement and prosecution of economic crimes in South Africa. *Journal of Financial Crime*.
- Tawil, D. D. (2000). "Ready? Induce. Sting!": Arguing for the Government's Burden of Proving Readiness in Entrapment Cases. *Michigan Law Review*, 98(7), 2371-2394 n Entrapment Cases. *Michigan Law Review*, 98(7), 2371-2394.
- Teichmann, F. M. J. (2017). Twelve methods of money laundering. *Journal of money laundering control*.
- Wachtel, J. (1992). From morals to practice: Dilemmas of control in undercover policing. *Crime, Law and Social Change*, 18(1), 137-58.

Analysis of Police Traps in the Detection of Economic Crimes

Mohammadpirani¹, Asghar Abbasi², Ali Ghorbani³

1-Department of Criminal Law and Criminology, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran.

2-Department of Criminal Law and Criminology, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran.

3-Department of Criminal Law and Criminology, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran.

Abstract

Background and Objectives: Among the most important topics in our world are economic crimes that are committed in the context of today's life due to the abuse of intelligence and talent. In these crimes, trickery and secrecy played a significant role, and crime detection is very difficult and dangerous. An important solution to detect these crimes is the use of police traps. However, law enforcement resources may be wasted and the economy of undercover operations may fail due to the failure to recognize police traps. This study seeks to answer the question of what are the most important police traps in the detection of economic crimes and how can these traps prevent the budget from being wasted in such undercover operations.

Methodology: This descriptive-analytical study investigates and analyzes the above questions using the library research method and note-taking.

Findings: This study can guide the police, designers, and managers of covert operations in implementing an undercover entrapment operation to prevent the wastage of law enforcement resources, on the one hand, and can increase people's trust in the police and the judicial system, on the other hand, besides explaining the types of traps in the economic crimes of money laundering and bribery.

Keywords: traps, undercover sting operations, crime detection, economic crimes.